



کنگره موسس حزب چپ ایران (فدائیان خلق) برگزار شد! ص ۲

در این شماره می خوانید:

- ص ۲ - پیام کنگره بنیانگذاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) به مردم ایران
- ص ۸ - گزارش کنگره مشترک برای بنیانگذاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)
- ص ۱۳ - پیام کنگره بنیانگذار حزب چپ ایران (فدائیان خلق) به کارگران و زحمتکشان ایران
- ص ۱۴ - پیام کنگره بنیانگذار حزب چپ ایران (فدائیان خلق) به زنان ایران
- ص ۱۹ - آترناتیو نظامی و "رضاخان مصلح"،
راه برون رفت از وضعیت بحرانی کشور نیست
- ص ۲۰ - آیا جز یک "نرمش قهرمانانه" دوم، راه دیگری هست؟
- در محکومیت حمله آمریکا و متحدانش به سوریه!
- ص ۲۱ - بحران سوریه راه حل نظامی ندارد!
- ص ۲۲ - سالگرد یادمان ۹ سرو آزاده که برفراز تپه های اوین به خاک افتادند!
- ص ۲۳ - ضرورت یک بازی برد - برد در خاورمیانه
- ص ۲۳ - پیروزی همگانی



اطلاعیه مطبوعاتی پیرامون: بنیانگذاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

جای خوشحالی است که سه تشکل چپ سازمان اتحاد فداییان خلق ایران - طرفداران وحدت، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و کنشگران چپ، با برگزاری موفقیت آمیز کنگره مشترک خود، در روزهای دهم تا دوازدهم فروردین برابر با ۳۰ مارس تا اول آوریل، حزب چپ ایران (فداییان خلق) را بنیان گذاشتند.

کنگره اساسنامه این حزب نو بنیاد را از تصویب گذراند و نام آن را برگزید. کنگره تصمیم گرفت نام حزب واحد بگونه‌ای باشد که هم هویت ارزشی آن را بیان کند و هم سابقه تاریخی شناخته شده وحدت‌کننده‌ها را نشان دهد.

کنگره کارپایه ارزشی حزب واحد را مورد رسیدگی قرار داد و توانست در این زمینه به یک سند مبنا دست یابد. کنگره با تأکید بر تداوم کار تدقیقی روی این سند، تصویب قطعی آن را به دومین کنگره این حزب واحد موکول کرد.

کنگره طی پیام‌هایی به مردم ایران، کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و مردمان مناطق ملی کشورمان، همبستگی و همراهی خود با مبارزات آزادیخواهانه و عدالت خواهانه آنان را اعلام داشت. کنگره در زمینه نگاه سیاسی و ابراز اراده نسبت به روندها و اوضاع کنونی و به ویژه مخاطراتی که کشور با آن روبرو است، شورای مرکزی خود را موظف کرد تا در این زمینه‌ها واکنش نشان دهد.

کنگره مشترک، ۲۵ نفر را برای شورای مرکزی حزب چپ ایران (فداییان خلق) انتخاب نمود و بر وظیفه جمع منتخب در ابراز اراده کنگره مبنی بر حضور فعال در عرصه سیاسی کشور تأکید کرد.

کنگره مشترک با حضور جمع قابل توجهی از مهمانانی برگزار شد که نسبت به حضور و سرنوشت چپ در مبارزات امروز ایران از خود حساسیت و علاقمندی ویژه‌ای نشان دادند. حضور مهمانان در کنگره و شرکت دلسوزانه آنان در مباحث کنگره، برای اتخاذ تصمیمات سنجیده‌تر ما بسیار ارزشمند بود. مباحث این کنگره از طریق حضور نمایندگان چند سایت رسانه‌ای معتبر تحت پوشش قرار گرفت و از طریق چند شبکه مجازی مستقیماً پخش شد.

کنگره از سوی فعالانی از طیف فدایی که امکان حضور در آن را نداشتند و نیز از طرف نمایندگان تشکل‌های سیاسی اپوزیسیون ایرانی، شخصیت‌های حاضر در کنگره و چند حزب چپ از کشورهای دیگر، پیام‌های شادباش و اعلام همبستگی دریافت کرده بود که نسبت به آنها ابراز قدردانی نمود.

همه اسناد مصوب کنگره بنیانگذار که در این اطلاعیه به آنها اشاره رفت و نیز گزارش تفصیلی کارکرد سه روزه کنگره به زودی انتشار عمومی خواهند یافت.

صدایی که بیش از هر صدای دیگر در این سه روز کنگره شنیده شد این بود که مردم ایران برای گذار از نظام دینی مستبد جمهوری اسلامی به یک چپ مبارز و نافذ نیاز دارند. کنگره حزب تاسیسی خود را به پاسخ گفتن به این نیاز فراخواند و آن را موظف نمود تا با همه توان خود، در دفاع از حقوق و منافع طبقات و اقشار محروم و مردمان زیر انواع تبعیضات موجود در جمهوری اسلامی بکار گیرد.

هیئت رئیسه کنگره

دوازدهم فروردین ماه ۱۳۹۷ برابر دوم آوریل ۲۰۱۸

پیام کنگره بنیانگذاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) به مردم ایران

مردم آزاده ایران!

با شادی بسیار به آگاهی به شما پی‌جویان آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی می‌رسانیم که کنگره مشترک سه جریان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کنشگران چپ طی روزهای دهم تا دوازدهم فروردین ماه ۱۳۹۷ با موفقیت برگزار شد. با بنیانگذاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) در پی چند سال تلاش و تکاپو و گذر از فراز و فرودها، ما اکنون آرزوی دیرینه وحدت چپ در بخشی از گستره آن را برآورده می‌بینیم. ما امید داریم و آرزومندیم که این اقدام، سرآغازی باشد برای پایان‌یابی تفرقه درآوردن در چپ ایران و شروعی برای رسیدن به وسیع‌ترین اتحادها در صفوف خویش.

وحدت و اتحاد چپ، پاسخ به نیازی است که آتش اشتیاق آن در دل جامعه خواستار آزادی و عدالت اجتماعی ایران شعله می‌کشد. کشور ما در اوضاعی به سر می‌برد که برآمد چپ در آن، تاخیربردار نیست. صدای میلیون‌ها زحمتکش محروم از داشتن حداقل معاش و جوانان بیکار برای برخورداری از امنیت اقتصادی و رهایی از دغدغه فقر به جایی نمی‌رسد. این مردمان به صدای پشتیبان و نافذ نیاز دارند. جز آنانی که از نظام رانت‌خوار جمهوری اسلامی بهره می‌برند، همه گروه‌بندی‌های اجتماعی جامعه متکثر ما تحت این یا آن تبعیض و یا همزمان چندین نوع تبعیض قرار دارند. ما برآنیم که پرچم اعتراض و مقاومت را در برابر همه تبعیضات برافرازیم.

آزادبخوانان ایران!

همه ما جمهوری اسلامی را که حکومتی است استبدادی با گرایش قوی تمامیت‌خواهی، دین‌سالار و مبتنی بر ولایت فقیه، شناخته و تجربه کرده‌ایم و یقین یافته‌ایم که سرکوب و اعمال تبعیض‌های مختلف خصوصیت بنیادین آنست. نظام ولایت فقیه نه تنها مانع هرگونه رشد و توسعه دمکراتیک جامعه ما است بلکه ویرانگر و نابودکننده استعدادهایی است که این جامعه برای پیشرفت خود دارد. جامعه ما از این حکومت باید بگذرد و نظامی مبتنی بر دمکراسی و سکولاریسم را جایگزین آن کند. یک جمهوری که بر دمکراسی استوار باشد. حزب نوبنیاد ما عزم دارد که همه توان خود در این راه بگذارد و بکوشد تا گذار در کشور از طریق مبارزه مسالمت‌آمیز و خشونت‌پرهیز و متکی بر مقاومت و خیزش اجتماعی صورت گیرد. حزب ما دخالت نظامی در ایران را برنمی‌تابد و با هر گونه اپوزیسیون‌سازی از سوی دیگران سر مخالفت دارد. نیروی نجات مردم ایران از دست جمهوری اسلامی، مردم ایران است و ما از این مردم هستیم و برای این مردم.

دوستاناران صلح برای کشور و منطقه

کشور ما در این برهه از حیات خود با وضعیت نگران‌کننده‌ای مواجه است. از یکسو زیر سلطه حاکمیتی قرار دارد ماجراپرو، مداخله جو، بحران‌زی و بحران‌ساز و از دیگر سو در معرض توطئه‌های جنگ‌افروزترین و راست‌ترین دولت بر سر کار در امریکا، دست راستی‌ترین حکومت در اسرائیل و متعرض‌ترین دولت در عربستان سعودی، بعلاوه منفعت‌جویی‌های اقسام صاحبان منافع در منطقه. وضع هیچگاه چنین مخاطره‌آمیز نبوده است. ما بر این آگاهیم که فعالیت سیاسی خود در قالب حزب نوبنیاد را در چنین شرایط خطیری آغاز می‌کنیم و هم از اینرو، یکی از وظائف مقدم سیاسی پیشاروی خود را مشارکت فعال در مبارزه برای جلوگیری از وقوع فاجعه نظامی علیه ایران می‌دانیم. این وظیفه تاخیرناپذیر از تلاش برای بسیج همه آن نیروهای ضدجنگ می‌گذرد که بر نقش هر دو سوی این بحران تأکید دارند.

پی‌جویان آزادی و عدالت اجتماعی!

آزموده‌های بشریت در مبارزه برای تحقق عدالت اجتماعی و سوسیالیسم و تجربه چپ ایران در این زمینه گواه این حقیقت است که آزادی و دمکراسی تنها در تحقق عدالت اجتماعی است که قابلیت فراگیری به خود می‌گیرد و پایدار می‌ماند. عدالت اجتماعی نیز فقط بر بستر برقراری آزادی‌ها و در کادر دمکراسی است که نهادینه می‌شود. حزب ما مخالف سرمایه‌داری و مدافع حقوق و مطالبات کارگران و زحمتکشان است و با این باور پا در عرصه کنشگری سیاسی و برنامه‌ای می‌نهد که ارزش‌های سوسیالیستی، صرفاً بر متن دمکراسی است که می‌تواند پا بگیرد، رشد کنند، ثبات یابند و در جامعه جاری شوند. گره‌خوردگی سوسیالیسم و دمکراسی با همدیگر و مبارزه علیه نئولیبرالیسم، سیما و هویت ما است.

دوستاناران برآمد چپ در سیمای دمکراتیک!

این حقیقتی است که نیروهای برپاکننده حزب نوبنیاد ما تاریخاً از جنبش فدائیان خلق ایران که نزدیک به نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی - تشکیلاتی دارد، می‌آیند. ما از اینکه توانسته‌ایم بخش قابل‌تأکیدی از فعالان این جریان تاریخی را بعد از آن جدایی‌های تلخ در گذشته، با تجربه اندوزی و نقد آن‌ها، دیگر بار دور هم گرد آوریم بر خود می‌بالیم. اما به تأکید تصریح می‌کنیم که حزب خود را حزب همه آنانی می‌دانیم که دلبسته آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی هستند و اینها را در پیوند درونزا با هم می‌پذیرند؛ آنانی که در برابر هرگونه تبعیض فکری و مسلکی، جنسیتی، ملی و دیگر تبعیضات رنگارنگ می‌ایستند. حزبی که حفظ محیط زیست از هر گونه تعرض و گزند به آن را، در زمره پایه‌ای‌ترین وظایف خود می‌داند. درب حزب ما بر روی همه استقبال‌کنندگان از آن باز است و دست هر مبارز چپی را که بخواهد در این راه گام بردارد به گرمی می‌فشارد. چشم ما به جوانانی است که با ورود خود در این حزب یا همراهی با آن، تضمین‌کننده طراوت و شادابی آن خواهند شد.

کنگره بنیانگذاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۱۲ فروردین ماه ۱۳۹۷

اساسنامه حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۱- نام

«حزب چپ ایران (فدائیان خلق)»

۲- تعریف

۱-۲ «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)» که از وحدت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، کنشگران چپ، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ و دیگر فعالان چپ ایران شکل گرفته است، تشکل داوطلبانه افرادی است که دیدگاهها و ارزشهای اعلام شده در منشور حزب را پذیرفته و آمادگی دارند با پایبندی به اساسنامه، برای تحقق آن ارزشها و آماجها تلاش نموده و موازین این اساسنامه را پایه مناسبات سازمانی خود قرار دهند.

۲-۲ تعریف از یک سری مفاهیم به کار گرفته شده در این اساسنامه:

۱-۲-۲ رای اکثریت با یکی از این گزینهها معنا میشود:

- «مطلق» یعنی بیش از ۵۰ درصد آرا،

- «نسبی» یعنی دارای رای بیشتر،

- «موردی» که در زمینههای خاص در این اساسنامه تعیین شده باشد.

۳- مبنای فکری اساسنامه

۱-۲ حزب چپ ایران (فدائیان خلق) مناسبات آزاد و دمکراتیکی را که برای استقرار آنها در جامعه ایران مبارزه می کند، بیش از همه در درون خود اعمال می کند. بنابراین مناسبات درونی حزب بر پایه پرنسیپهای دمکراتیک و مشارکت همگانی سازماندهی می شود. حزب، آزادی بیان را در درون خود تامین و حق گرایش و فراقسیون سیاسی را به رسمیت می شناسد.

۲-۲ هرگونه تبعیض از جمله تبعیض جنسیتی، قومی - ملی و مسلکی مردود بوده و همه اعضا از حقوق برابر برخوردار هستند.

۳-۲ ساختار حزب غیرمتمرکز می باشد.

۴- مبنای مناسبات تشکیلاتی

۱-۴ همه ارگانهای انتخابی در مقابل انتخاب کنندگان پاسخگو هستند.

۲-۴ تصمیمات در ارگانها براساس رای اکثریت اتخاذ می شوند.

۳-۴ تشکیل گرایشها و فراقسیونهای نظری سیاسی در درون حزب با التزام به اساسنامه آزاد است.

۴-۴ پذیرش مسئولیت در حزب داوطلبانه بوده و اعضا به اجبار به پذیرش مسئولیت موظف نمی شوند.

۵-۴ پذیرش مسئولیت به معنای تعهد به انجام آن، رعایت موازین سازمانی و امر پاسخگویی است.

۶-۴ در پیشبرد فعالیتهای روزمره، سه امر «مسئولیت»، «اختیار تصمیمگیری در چارچوب مسئولیت» و «پذیرش داوطلبانه مسئولیت» راهنمای سازماندهی و مدیریت است.

۷-۴ مسئولیتها دورهای بوده و مسئولین برای دورههای محدودی به مسئولیت برگمارده می شوند.

تبصره: محدوده زمانی برای هر دوره عضویت در یک ارگان و یا بودن در یک مسئولیت را ارگان انتخاب کننده تعیین خواهد نمود.

۸-۴ حق مشارکت اعضا، چه در اطلاع رسانی و چه در تصمیم سازیها و تصمیم گیریهای کلان با تعبیه کانالهای لازمه تامین و تضمین می شود.

۹-۴ در انتخاب ارگانها و تفویض مسئولیتها، بنابر اصل برابری جنسیتی، مشارکت زنان متناسب با تعداد اعضای زن تضمین می شود.

۱۰-۴ ساختار تشکیلاتی بر اساس تلفیق دمکراسی نمایندگی، مشارکتی و مستقیم تنظیم شده است.

...

اساسنامه ...

ادامه از صفحه ۴

۱۱-۴- ساختار و مناسبات تشکیلاتی با هدف نیل به یک حزب برنامه‌ای سامان داده شده‌اند.

۵- عضویت در حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۱-۵ شرایط عضویت

۱-۱-۵ پذیرش اساسنامه و اهداف مندرج در برنامه حزب

۲-۱-۵ داشتن حداقل ۱۶ سال سن

تیسره ۱: اعضای سه جریان، عضو «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)» محسوب می‌شوند مگر اینکه خلاف آنرا اعلام کرده باشند.

۲-۵ کناره‌گیری از عضویت

۱-۲-۵ عضویت در «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)» و کناره‌گیری از آن داوطلبانه است.

۲-۲-۵ هر عضو حق دارد از عضویت در ارگان‌های حزب استعفا دهد. با اعلام استعفا به صورت کتبی توسط عضو، استعفا رسمیت پیدا می‌کند. یک هفته فرصت برای پس گرفتن استعفا وجود دارد. پس گرفتن استعفا به صورت کتبی الزامی است. در صورت بازگشت عضو مستعفی، همان روال عضوگیری در مورد او اجرا خواهد شد.

۳-۵ وظائف عضو

۱-۳-۵ پرداخت حق عضویت،

۲-۳-۵ التزام عملی به اساسنامه.

۴-۵ حقوق اعضا

۱-۴-۵ هر عضو حق دارد برای عضویت در ارگان‌های سازمانی کاندیدا شود و به کاندیدای مورد نظر خود رای دهد،

۲-۴-۵ هر عضو حق اطلاع از مصوبات ارگان‌های منتخب خود و انتقاد نسبت به آنها را دارد.

۳-۴-۵ هر عضو حق دارد نظرات خود را در تمامی سطوح، محافل و نشریات حزبی با رعایت موازین و آیین‌نامه‌های موجود بیان کرده و یا منتشر کند.

۴-۴-۵ هر عضو حق دارد در اتحادهای سیاسی که با برنامه و استراتژی سیاسی حزب مغایرت نداشته و رقیب آن نباشند، فعالیت داشته باشد،

۵-۴-۵ هر عضو حق دارد در نهادهای مدنی، که اهداف آنها مغایر با اهداف حزب نباشند به صفت شخصی فعالیت نماید.

۶-۴-۵ هر عضو حق دارد تا از هر گزارش، شکایت و یا تصمیم‌گیری مربوط به خود اطلاع حاصل نماید و در جهت دفاع از حقوق خود، با اتکا به این اساسنامه اقدام کند.

۵-۵ روند پذیرش عضویت

۱-۵-۵ تقاضای کتبی از طرف فرد متقاضی عضویت،

۲-۵-۵ پذیرش تقاضا توسط واحد پایه و یا ارگانی که از طرف شورای مرکزی مسئولیت این کار را بعهده خواهد داشت، صورت می‌گیرد.

۶-۵ لغو عضویت

۱-۶-۵ عدم پرداخت حق عضویت طی شش ماه متوالی بدون عذر موجه

۲-۶-۵ نقض اساسنامه

۳-۶-۵ لغو عضویت با پیشنهاد واحد محلی موضوعیت یافته و با تصمیم‌گیری شورای مرکزی صورت عملی پیدا می‌کند. عضو مربوطه حق دادخواهی به ارگان «رشد» را دارد. نظر ارگان «رشد» در این زمینه حکم قطعی است.

...

اساسنامه ...

ادامه از صفحه ۵

۴-۶-۱- لغو عضویت، حداکثر برخورد انضباطی است.

۶- ساختار تشکیلاتی

۱-۱-۱-۱- کنگره

- ۱-۱-۱-۱- کنگره، بالاترین ارگان تصمیم‌گیری است که دو سال یک‌بار فرا خوانده می‌شود.
- ۱-۱-۱-۲- کنگره فوق‌العاده می‌تواند با درخواست یک سوم اعضای حزب و یا شورای مرکزی، فرا خوانده شود.
- ۱-۱-۱-۳- سیاست‌گذاری و تدوین سیاست‌های عمومی حزب به عهده کنگره است.
- ۱-۱-۱-۴- تمام تصمیمات کنگره بجز در مورد اسناد پایه (برنامه، منشور و اساسنامه) با رای اکثریت مطلق (بیش از پنجاه درصد آرای کنگره) و یا رای نسبی تصویب می‌شوند.
- تبصره ۱: تغییرات در اسناد پایه (برنامه، منشور و اساسنامه) با اکثریت شصت درصد اعضا در کنگره امکان‌پذیر است.
- ۱-۱-۱-۵- کنگره، تعداد اعضای شورای مرکزی و نهاد رسیدگی به شکایات و داوری «رشد» را تعیین کرده و آنها را انتخاب می‌کند.
- ۱-۱-۱-۶- ارگان‌های منتخب کنگره، موظف به ارائه گزارش از عملکرد خود به کنگره بوده و در مقابل آن پاسخگو می‌باشند.

۲-۱- شورای مرکزی

- ۲-۱-۱- شورای مرکزی عالی‌ترین ارگان سازمانی در فاصله دو کنگره است که در کنگره انتخاب شده و فعالیت‌های حزب را در چارچوب مصوبات کنگره هدایت می‌کند.
- ۲-۱-۲- وظایف این شورا عبارتند از:
 - ۲-۱-۲-۱- تدوین سیاست‌های عمومی در چارچوب مصوبات کنگره،
 - ۲-۱-۲-۲- انتخاب هیئت سیاسی - اجرائی و نظارت بر کارکرد آن
 - ۲-۱-۲-۳- انتخاب سخنگو / سخنگویان
- ۲-۱-۳- هرگاه به دلایلی جای یک یا چند نفر از اعضای شورای مرکزی خالی بماند، این شورا مجاز است از بین داوطلبین عضویت برای شورای مرکزی در آخرین کنگره، به ترتیب آرای کنگره، با اکثریت دو سوم آرا، ترکیب خود را ترمیم کند.
- ۲-۱-۴- مسئول یا نماینده هر واحد کشوری و مسئول هر گروه کار که عضو شورای مرکزی نیستند، مشاورین این شورا محسوب شده و در اجلاس آن شرکت می‌کنند.
- ۲-۱-۵- شورای مرکزی از بین اعضای خود سه نفر را به عنوان هیئت رئیسه، با رای مخفی انتخاب می‌کند. اعضای هیئت رئیسه نمی‌توانند عضو هیئت سیاسی - اجرائی و سایر ارگان‌های منتخب کنگره باشند.

۲-۲- وظایف هیئت رئیسه شورای مرکزی

- ۲-۲-۱- انتخاب یک نفر از میان اعضای خود به عنوان مسئول
- ۲-۲-۲- مدیریت و فراخواندن جلسات شورای مرکزی
- ۲-۲-۳- پیگیری و نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورای مرکزی
- ۲-۲-۴- فراهم آوردن امکان نظارت شورای مرکزی بر کارکرد هیئت سیاسی - اجرائی.
- ۲-۲-۵- تهیه گزارش از جلسات شورای مرکزی و ارسال آن به اعضای حزب
- ۲-۲-۷- شورای مرکزی وظیفه تدارک و فراخواندن کنگره را به عهده دارد.

۳-۱- هیئت سیاسی - اجرائی

- ۳-۱-۱- هیئت سیاسی - اجرائی، توسط شورای مرکزی و از میان اعضای آن انتخاب شده و در فاصله میان اجلاس شورای مرکزی، در چارچوب برنامه، منشور، اساسنامه، مصوبات کنگره و شورای مرکزی سیاست‌ورزی می‌کند.
- تبصره: تعداد اعضای هیئت سیاسی - اجرائی نباید بیشتر از یک سوم اعضای شورای مرکزی باشد.
- ۳-۱-۲- هیئت سیاسی - اجرائی هدایت و نظارت بر تشکیلات، انتشارات مرکزی، گروه‌های کار، امور مالی و نیز تنظیم مناسبات با دیگر احزاب، سازمان‌ها و نهادها را به عهده دارد.
- ۳-۱-۳- شمار اعضای هیئت سیاسی - اجرائی را شورای مرکزی تعیین می‌کند.

۴-۱- واحدهای پایه

- ۴-۱-۱- واحدهای پایه برای سازماندهی و پیشبرد فعالیت‌ها در هر محل، توسط اعضای «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)» و به شکل داوطلبانه ایجاد می‌شوند.

...

اساسنامه ...

ادامه از صفحه ۶

۶-۴-۲- واحدهای پایه در تصمیم‌گیری‌ها و روش کار خویش در چارچوب منشور، اساسنامه و مصوبات کنگره و شورای مرکزی خودمختارند.
۶-۴-۳- حد نصاب تشکیل یک واحد پایه سه نفر است.

۶-۴-۴- واحدهای پایه از میان اعضای خود، یک نفر را بعنوان مسئول و رابط با ارگان‌های بالاتر انتخاب می‌کنند.

۶-۴-۵- واحدهای پایه، آیین‌نامه داخلی خود را تدوین می‌کنند و گزارش فعالیت‌های خود را برای اطلاع‌رسانی و یا بازتاب در مطبوعات سازمانی، در اختیار ارگان‌های بالاتر قرار می‌دهند.

۵-۶- گروه‌های کار

۶-۵-۱- گروه‌های کار به پیشنهاد هیئت سیاسی - اجرایی و یا شورای مرکزی تشکیل شده و به ارگان منتخب خود پاسخ‌گو می‌باشند.

۶-۵-۲- ارگان‌های منتخب موظف هستند ملزومات کافی برای پیشبرد وظایف این گروه‌ها را تامین کنند.

۶-۵-۳- گروه‌های کار از میان اعضای خود یک نفر را بعنوان مسئول و رابط انتخاب می‌کنند.

۶-۵-۴- گروه‌های کار در صورت نیاز، آیین‌نامه داخلی خود را تدوین می‌کنند و گزارش فعالیت‌های خود را برای اطلاع‌رسانی و یا بازتاب در مطبوعات سازمانی، در اختیار هیئت سیاسی - اجرایی قرار می‌دهند.

۶-۶- نهاد رسیدگی به شکایات و داوری «رشد»

۶-۶-۱- نهاد رسیدگی به شکایات و داوری «رشد»، در کنگره انتخاب می‌شود.

۶-۶-۲- شمار اعضای این نهاد را کنگره تعیین می‌کند.

۶-۶-۳- «رشد» برای رسیدگی و داوری پیرامون شکایات کتبی اعضای «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)» از یکدیگر، اعضا از ارگان‌ها و بالعکس و شکایات ارگان‌ها از یکدیگر، به شرط آنکه مبنای دعوی و شکایت، فعالیت و زندگی تشکیلاتی باشد، تشکیل می‌گردد.

۶-۶-۴- داوری «رشد» برای همه اعضا و ارگان‌های سازمان از اعتبار برخوردار بوده و لازم الاجراست. تنها کنگره حق تجدیدنظر در مورد قضاوت «رشد» را دارد.

۷- گرایش و فراکسیون

۷-۱- گرایش و یا فراکسیون، گروهی از اعضای حزب را دربر می‌گیرند که دست‌کم در یکی از عرصه‌های مسائل دیدگاهی، برنامه‌ای و یا سیاسی با یکدیگر اشتراک نظر دارند.

۷-۲- گرایش می‌تواند حتی حول یک موضوع و برای مدت کوتاهی به وجود آید.

۷-۳- گرایش‌ها و فراکسیون‌های سیاسی در نشر و بیان نظرات و مباحث خود، از حقوق برابر برخوردارند.

۷-۴- فراکسیون دارای پلاتفرم، نام و هویت جمعی بوده و سازمان‌یافته است.

۷-۴-۱- تشکیل فراکسیون برپایه پلاتفرم کتبی بوده و توسط شورای مرکزی رسمیت می‌یابد.

۷-۴-۲- فراکسیون رابطی را برای ایجاد ارتباط و هماهنگی به شورای هماهنگی معرفی می‌کند.

۷-۴-۳- موازین حاکم بر مناسبات درونی فراکسیون همان موازینی است که در این اساسنامه آمده‌اند.

۷-۴-۴- فراکسیون بخشی از «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)» است.

۷-۴-۵- فراکسیون می‌تواند از امکانات حزب برای تبلیغ علنی نظرات خود استفاده کند.

۷-۴-۶- فعالیت فراکسیون‌ها علنی و شفاف است و دیگر اعضا می‌توانند در جلسات آنان شرکت کنند.

۷-۴-۷- فراکسیون‌ها مجاز به اتحاد با نیروهای سیاسی منفرد و متشکل نیستند.

۷-۴-۸- چنانچه فعالیت سیاسی یک فراکسیون مغایر با اساسنامه باشد، بعد از یک بار تذکر، فعالیت سیاسی آن فراکسیون توسط شورای مرکزی معلق خواهد شد. تصمیم نهایی در این موارد با کنگره است.

۷-۴-۹- فراکسیون حق دریافت حق عضویت جداگانه را ندارد، اما صندوق مرکزی موظف است هزینه‌های فراکسیون را در حد توان تامین کند.

۷-۴-۱۰- فراکسیون مجاز نیست ارگان و رسانه مستقل از حزب داشته باشد.

۸- بخش مالی

۸-۱- هزینه‌های مالی «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)» از طریق حق عضویت و کمک‌های مالی اعضا و دوستان تامین می‌شود.

۸-۲- شورای مرکزی موظف است که گزارش مالی حسابرسی شده را به کنگره ارائه دهد.

۹- انجلال «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)»

۹-۱- انجلال «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)» با رای موافق حداقل هفتاد و پنج درصد اعضای آن امکان‌پذیر است.

این اساسنامه با ۹ فصل و ۱۱۰ بند و ۴ تبصره به تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۹۷ در کنگره بنیانگذار با ۸۲،۱ درصد آرای کنگره به تصویب رسید.

گزارش کنگره مشترک برای بنیانگذاری حزب چپ ایران (فدائیان خلق)



۱) اراده مشترک برای تاسیس حزب واحد

در روزهای دهم تا دوازدهم فروردین ماه سال نو ۱۳۹۷ برابر با ۳۰ مارس تا ۱ آوریل ۲۰۱۸، کنگره مشترک سه تشکل چپ: سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کنشگران چپ در شهر کلن جمهوری فدرال آلمان برگزار گردید و بعد از سه روز همکاری سازنده، موفق شد آرزوی دیرپا برای ایجاد تشکل واحد را عملی کند. این کنگره مشترک، محصول تلاش چندین ساله دارای فراز و فرود بود برای یکی شدن بخشی از چپ. با برگزاری این کنگره، اراده برای بنیانگذاری حزب چپی پایمند به آزادی و عدالت اجتماعی و باورمند هم‌پیوندی درونزای سوسیالیسم و دموکراسی توانست به بار بنشیند.

نمایندگان کنگره بنیانگذار که با اشتیاق تمام از اقصی نقاط اروپا و دو قاره آمریکا و استرالیا گرد هم آمده بودند، با گذاشتن دست در دست همدیگر و خواندن سرود اتحاد، موفق به برافراشتن پرچم حزب جدید چپ شدند. با آنکه جای خرسندی بسیار داشت که بخشی از علاقمندان درونمرز به سرنوشت این کنگره توانستند ابراز همبستگی خود را با آن در شکل اعلام سخن یا ارسال پیام ابراز بدارند، در عین حال اما جای خالی این رفقا که نمی‌توانستند بخاطر تداوم سیاست سرکوب جمهوری اسلامی علیه نیروهای دموکرات و چپ کشورمان در این کنگره متعلق به خود حضور بیابند، کاملاً محسوس بود. اما این نیز البته حقیقت داشت که خوشبختانه غائبینی از درونمرز و برونمرز کنگره، این امکان را یافتند تا از طریق شبکه‌های مجازی در جریان کار کنگره قرار گیرند.

۲) تحکیم رفاقت در آستانه ورود به رسمیت کنگره

با ابتکار بجای "هیئت برگزاری کنگره" - مرکب از نمایندگان سه تشکل برای یکی شدن - بخش پیشاکنگره با انجام مراسم معارفه شروع شد و بر همین روال هم، نیم روز نخست کنگره به آشنایی‌های متقابل باهم بیشتر شرکت کنندگان، بازشناساندن هدف این پروسه معطوف به تشکل واحد، ارائه ارزیابی‌ها از این تصمیم تاریخی و بیان انتظارات از آینده آن اختصاص یافت.

ترکیبی از دو رفیق زن و مرد که این بخش پیشاکنگره را اداره می‌کردند، کلید خوردن برنامه معارفه را به گروه هنری "بیدار" سپردند تا این گروه بر متن هنرنمایی‌های پرشور خود، کنگره را در

فضای عاطفی رفیقانه اشباع کند و اراده بیدار برای وحدت را صیقل بیشتری دهد. با اجرای چند ترانه - سرود، یادآور گذشته مشترک این گردهم‌آمدگان در کنگره، همچون "سر اومد زمستون/ شکفته بهارون" و "توی سینه‌اش یه جنگل ستاره داره"، چشمان بسیاری از اشک شوق تر شد و بازیابی امید در دل‌ها شکوفه زد. سالن اما آنجایی غرق نغمه‌خوانی شد که خطاییه ماندگار "همراه شو عزیز، کاین درد مشترک/ هرگز جدا جدا، درمان نمی‌شود" به ترنم در آمد و حضار را در هیجان شادی ویژه‌ای نشاناند. همگان به هم‌صدایی با هنرمند مجری برنامه برخاستند تا عزم خود برای وحدت را فروزتر بنمایانند.

در چارچوب ظرفیت زمانی بخش پیشاکنگره، جمع متنوعی از نمایندگان و مهمانان سخن‌ها گفتند و در حرف‌های خود عموماً با تاکید بر امید داشتن، امیدوار بودن و امید پروراندن، به لزوم حفظ اراده تکیه کردند؛ خطرهای در کمین نشسته را یادآور شدند و مسئولیت‌های خطیر شرکت‌کنندگان از فردای این کنگره موسس در قبال جامعه ایران و چپ کشور را برشمردند. بازتاب تأمین تنوع سنی، جنسیتی، سابقه مبارزاتی، کار تخصصی، گوناگونی نگاه در عین همسویی‌های دیدگاهی و ارزشی و نیز نوع مواجهه‌های سیاسی و بالاخره ارزیابی‌های متفاوت بگونه اشاره‌وار از نقش مدیریت در روند تلاش برای ایجاد تشکل واحد و پروژه‌های ناظر بر آن، در مجموعه گفتارهای سخنرانان، به نحو درخوری توسط گرداندگان این بخش تأمین شده بود.

حاضرین کنگره اما زمانی در حس احترام به عظمت شعله افروزان فراموشخانه و تاریکخانه خاوران عمیقاً در خود فرو رفتند که گفتگوی تلفنی نوروزانه با خانم لطفی از چهره‌های سرشناس "مادران خاوران" از زبان آندوهناک یکی دیگر از بازماندگان کشتار زندانیان سیاسی حاضر در سالن بازخوانی شد. پیرانوی برنا دل، با صدای لرزان ناشی از نود سالگی، تا خبر وحدت قریب الوقوع را شنیده بود، کنگره را این چنین پیام داده بود:

"چه کارخوبی می‌کنین. ما اینجا، همین چیزها آرزومونه. خوبه که با همدیگر باشیم. کاش بقیه‌ها هم باشن. حیف که نمی‌تونم پیشتون پیام. دوستتون دارم. اسمها یادم رفته اما تا از نزدیک می‌بینم همه رو بخاطر می‌آرم. تک‌تک شماها را می‌بوسم. درسته که خیلی‌هامون دق‌مرگ شدیم و رفتیم، اما جمع‌مون همچنان سر جایش هست. اونها خاوران را هم از ما بگیرن، ما را نمی‌تونن از خاوران بگیرن؛ به بچه‌ها بگو

ما اینجا متحدیم. تازه هر روز داغدارهای تازه‌ای به ما اضافه می‌شن. می‌کشن و می‌گن خودکشی کردند! مگه شاه با بیژن اینا همین کارو نکرد؟ همتون برمیگردین ایران. صد ساله هم بشم چشم به راهتون هستم!"

کنگره با ابراز احساسات و ادای احترام به همه آنانی که توانسته‌اند طی این چهار دهه کشتار مداوم مخالفین در جمهوری اسلامی، با از خود مایه‌گذاری‌های ارزشمند، مانع فراموش شدن جنایت‌های سیاسی این حکومت شوند، وقوف خود بر این حقیقت را نشان داد که "خاوران"، "مایورکا"ی ایران است!

با پایان یافتن برنامه پیشاکنگره، از هیئت رئیسه سنی دعوت به عمل آمد که مدیریت کنگره را تا زمان ورود آن به مرحله رسمیت‌یابی بر عهده گیرد.

۳) افتتاح کنگره

ترکیب هیئت رئیسه سنی کنگره مبتنی بود بر رعایت ارجحیت سنی و نیز نشانه‌گذاری در تاریخ طی شده گردهم‌آمدگان. ترکیبی از: رزمنده‌ای از یادگاران "سیاهکل" تا رفیقی جان بدر برده با سابقه بیشترین زمان زنده ماندن در پایگاه‌های سازمان چریک فدایی خلق؛ رفیقی در زمره جمع آغازگر جنبش فدایی خلق تا رفیقی در موقعیت رهبری سازمان پیشانقلاب؛ رفقای با سابقه نزدیک به شصت سال تعلق به جنبش چپ تا رفیقی از فعالان پرشور حین و بعد انقلاب. در این ترکیب رفقا شمسی شفیع، فردوس جمشیدی رودباری، مصطفی مدنی، ایرج نیری، مجید عبدالرحیم‌پور، حسن جعفری و بهروز خسروی حضور داشتند.

رفیقی از جمع هیئت رئیسه در آغاز روند رسمیت‌یابی کنگره، حضار را فراخواند تا به احترام همه جانباختگان جنبش دیرپای چپ و دموکراتیک ایران پیا خیزند و به احترام نام و یاد این زندگان جاوید یک دقیقه سکوت کنند. هنگامیکه جمعیت در جای خود نشست، سرود انترناسیونال به طنین درآمد تا همبستگی کنگره با همه مبارزان چپ در هرجایی از جهان به نمایش درآید و بر پیوستگی این اراده برای تشکل واحد که معطوف است به تأمین اتحاد چپ ایران، با تاریخ سراسر پیکار جنبش سوسیالیستی به منظور برپایی ارزش‌های آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و تلاش در راه سوسیالیسم تأکید شود.

سپس مسن‌ترین عضو هیئت رئیسه سنی از مسئول "هیئت برگزاری کنگره مشترک" دعوت کرد تا مطابق ضابطه‌ای که سه مولفه تشکیل دهنده این کنگره بر سر آن توافق کرده بودند، با ارائه گزارش فشرده از روند طی شده مشخص کند که ... ادامه در صفحه ۹

گزارش کنگره ...

ادامه از صفحه ۸

آیا کنگره به لحاظ حد نصاب لازم جهت رسمیت‌یابی خود، مجاز به آغاز گردش کار است یا نه؟ مسئول مربوطه تصریح کرد که بر پایه گزارش مسئولین سازماندهی و تشکیلاتی هر سه مولفه، اکثریت قاطع نمایندگان کنگره مشترک در اینجا حضور دارند و لذا از نظر هیئت برگزارکننده کنگره مشترک، کنگره بنیانگذار تشکل واحد حائز رسمیت قانونی است.

اعلام رسمیت کنگره بنیانگذار حزب واحد از طرف رئیس هیئت رئیسه سنی، کف زدن ممتد حضار را پاسخ گرفت و کنگره بلافاصله وارد اولین تصمیم‌گیری خود جهت انتخاب هیئت رئیسه دائمی کنگره شد. نتیجه اخذ رای مخفی، انتخاب ۷ نفر از میان ۱۲ کاندیدا برای تقیل این مسئولیت بود که در آن، رای اول را یک رفیق زن از اعضای کنگره حائز شد. رفقای منتخب برای هیئت رئیسه عبارت بودند از: فرزانه عظیمی، محمد اعظمی، بهزاد کریمی، مهدی فتاپور، پروین همتی، علی صمد و حجت نارنجی.

هیئت رئیسه سنی آنگاه با بدرقه گرم حضار، جای خود را به هیئت رئیسه منتخب داد تا گردهم‌آمدگان در این جمع، گام در تعیین و اجرای دستور کار کنگره بنیانگذار بگذارند.

۴) تصویب آئین‌نامه کنگره

هیئت رئیسه کنگره ضمن ابراز سپاس از رای اعتماد کنگره نسبت به خود، اعلام داشت که دستور کار کنگره به همراه زمانبندی مربوطه، در فرصتی دیگر از گردش کار جهت تأیید و تصحیح آن توسط کنگره تقدیم حضار خواهد شد. عجالتاً اما برای نیم روز دوم نخستین روز کنگره، دو بلوک در نظر گرفته شده که در اولی بررسی و تصویب آئین‌نامه در دستور قرار دارد و در دومی، دوری از بحث آزاد بر پایه منشورهای ارائه شده تا کنگره بتواند برای تعیین سند مبنا، آمادگی گیرد.

برای برخوردار شدن کنگره از آئین‌نامه، یک گروه کار مسئولیت گرفته بود تا با تهیه پیش‌نویسی در این زمینه طی دوره تدارک کنگره، آن را در اختیار کنگره بگذارد. این گروه کار، یک بار هم مفاد حاصل رایزنی‌های خود در زمینه آئین‌نامه را به بحث عمومی گذاشته بود تا بر متن اشتراک نظر عمومی، موارد اختلاف را به حداقل ممکن برساند. کنگره با توجه به این‌که هیچ پیش‌نویس آئین‌نامه‌ای در برابر پیش‌نویس مدون گروه کار وجود نداشت، آئین‌نامه پیشنهادی را مبنای تصمیم‌گیری خود قرار داد و بعد دوری از طرح سئوال توسط چند نفر از حضار و توضیحات و پاسخ‌های نماینده گروه کار، مستقیماً وارد رسیدگی به پیشنهادها بدیل در مورد چند بند از سند مبنا شد. سر دو مورد لازم آمد که رای‌گیری به عمل آید.

مورد اول مربوط به حد نصاب لازم برای در دستور قرار گرفتن موردی تازه در دستور کار کنگره بود. پیشنهاد این بود که بجای معیار ۲۰ نفر قید شده در آئین‌نامه، مبنا بر ۲۰٪ صاحبان رای در کنگره باشد. این پیشنهاد فقط ۴۴٪ رای آورد و چون نتوانست حد نصاب لازم برای تصویب را کسب کند، لذا آئین‌نامه در این مورد تغییر نکرد. دومی پیشنهاد حذف ضریب دو سوم از بند

مربوط به تعیین حد رای شکسته پیرامون برگماری‌ها در تشکل نوین‌یاد بود. کنگره با ۷۷٪ رای موافق پذیرفت که این ضریب از بند ناظر بر لزوم رای شکسته برداشته شود و تعیین ضریب رای شکسته موقوف به صدور قرار واحد در وقت خودش گردد. این تصحیح وارد آئین‌نامه شد.

آنگاه رئیس وقت جلسه، آئین‌نامه مبنای عمل کنگره را با قید محفوظ بودن حق شورای مرکزی منتخب کنگره برای برخی تصحیحات انشایی در آن، به رای کنگره گذاشت که با ۷۹.۹۶٪ از تصویب کنگره گذشت تا اداره کنگره بنیانگذار در طول روزهای کارش منطبق بر آن صورت گیرد.

۵) بررسی منشورهای ناظر بر مبنای ارزشی ما

توضیح گردش‌یابی کار کنگره در باره دیدگاه و مبنای ارزشی تشکل نوین‌یاد، بررسی همه منشورهای ارائه شده به کنگره، تعیین سند مبنا در همین زمینه، انتخاب کمیسیون برای آن، تصمیم کنگره پیرامون حاصل کار کمیسیون و در نهایت تمهید حقوقی در موضوع منشور، مفاد دو فصل از گزارش حاضر را به خود اختصاص داده است. فصل شماره ۵ از آغاز کار تا انتخاب کمیسیون را شرح می‌دهد و فصل ۹ دربر گیرنده تدبیر نهایی کنگره در این عرصه است.

پر حجم‌ترین مباحث کنگره بحث مربوط به منشور بود. بر سر نوع جهت‌گیری و نیز مفاد منشورهای مطرح، بحث‌های زیادی در کنگره صورت گرفت. حساسیت نسبت به تبیین کیستی این حزب نوین‌یاد همواره در پروسه راه و تا خود کنگره بسیار بالا بود. در نهایت، چهار پیش‌نویس منشور به کنگره مشترک ارائه شد. یکی منشوری با تیتیر "دیدگاه و ارزش‌ها، گذر به دموکراسی"، دومی منشوری با مشخصه: "برای چپ سوسیالیستی، عدالتخواه و دموکراسی خواه" به امضای ۷ نفر (راخله طارانی، جعفر حسین زاده، مهرزاد وطن آبادی، وهاب انصاری، علی صمد، رحمان ساکی، شاهین انزلی، سومی) منشوری تحت عنوان: "به سوی حزب" به امضای یک نفر (احمد پورمندی) و چهارمی منشور ی با تیتیر "کیستی و باورهای بنیادین سازمان نوین‌یاد" به امضای یک نفر (بیزن اقدسی)، که بدلیل نداشتن مدافع و عدم حضور پیشنهاد دهنده سند، کنار گذاشته شد.

باید یادآور شد که "هیئت برگزاری کنگره" مبتنی بر اراده و درخواست عمومی فعالان روند برای بنیانگذاری تشکل واحد با مضمون حزبی، توافق را بر این نهاده بود که هر چهار منشور با حقوق برابر در دستور کار کنگره باشند و کنگره خود راساً تصمیم بگیرد که کدامیک از آنها را می‌خواهد مبنای کار قرار دهد.

هیئت رئیسه کنگره با در نظر داشت همه این واقعیت‌ها تصمیم گرفت موضوع منشور را بعنوان یکی از اصلی‌ترین موارد دستور کار کنگره به شمار آورد، بخش عمده‌ای از وقت کنگره را به آن اختصاص دهد و بر پایه برابرحقوقی منشورها عمل کند. از اینرو تصمیم خود مبنی بر تخصیص سه بلوک از وقت کنگره به این موضوع را با اعضای کنگره در میان گذاشت، که از موافقت

کنگره با این پیشنهاد برخوردار گردید. بدین ترتیب بلوک نخست در این زمینه، به یک دور بحث آزاد با تمرکز بر منشورهای ارائه شده اختصاص یافت و نیم بلوک دوم آن نیز برای تعیین سند مبنا و انتخاب کمیسیون مربوطه منظور شد.

در بلوک نخست از این بحث، ۱۵ نفر سخن گفتند که در آن، اکثر سخنرانان ضمن ابراز جانبداری از این یا آن منشور، بر موارد متنوع مرتبط با چیستی سند منشور تشکل نوین‌یاد انگشت گذاشتند. این مباحث، ادامه و تکمیل گفتگوهای بود که طی این چند سال میان علاقمندان به روند ایجاد تشکل واحد چپ جریان داشته است. جای تذکر دارد که با توجه به تعداد بالای علاقمندان برای سخن گفتن پیرامون منشور، کنگره در کادر بلوک دوم از گردش کار روز دوم، به ۸ نفر دیگر از اعضا و مهمانان وقت برای ابراز نظر داد.

بلوک دوم مربوط به منشور اساساً معطوف به تعیین سند مبنا بود. ابتدا کنگره یکی از منشورهای را که ارائه دهنده‌اش در آن مقطع از گردش کار متاسفانه در کنگره حضور نداشت، به ناگزیر از دور رای‌گیری خارج کرد. در این بلوک به شش نفر و "جیحا" با حق تقدم برای ارائه دهنندگان منشورها وقت داده شد تا در جانبداری مشخص از یکی از منشورها و همزمان نقد منشورهای دیگر سخن بگویند. آنگاه کنگره به تعیین سند مبنا پرداخت و هیئت رئیسه با استناد به آئین‌نامه و ذکر اینکه همه جوانب کار را در نظر دارد اعلام کرد: منشورها را جدا جدا به رای می‌گذارد، هر عضو کنگره می‌تواند به بیش از یک سند رای دهد، رای‌گیری در این مرحله نسبی است، نتایج اخذ رای در هر مورد، فقط در پایان روند رای‌گیری‌ها و بطور یکجا اعلام خواهد شد، و هرگاه تفاوت رای دو سند حائز بیشترین آرا کمتر از ۱۰ رای باشد در آن صورت این دو را در مقام آئین‌نامه به رای‌گیری مجدد خواهد گذاشت. نتیجه رای‌گیری چنین بود:

منشور با تیتیر: "دیدگاه و ارزش‌ها، گذر به دموکراسی" ۶۲.۷٪ موافق، ۱۸.۷٪ مخالف، ۱۲.۱٪ ممتنع، و ۵.۵٪ عدم شرکت.

منشور تحت عنوان: "به سوی حزب" ۱.۲۶٪ موافق، ۷.۵۸٪ مخالف، ۱۳٪ ممتنع، و ۲.۲٪ عدم شرکت.

منشور با مشخصه: "برای چپ سوسیالیستی، عدالتخواه و دموکراسی خواه" ۲.۳۱٪ موافق، ۹.۴۱٪ مخالف، ۴.۲۰٪ ممتنع، و ۵.۰۶٪ عدم شرکت.

هیئت رئیسه با تأکید بر ضوابط مطرح اعلام شده در پیش از رای‌گیری و نتیجه آرای مآخوذه، منشور تحت عنوان "دیدگاه و ارزش‌ها، گذر به دموکراسی" را حائز شرایط برای سند مبنا اعلام کرد و آنگاه در ادامه همین بلوک از گردش کار، از کنگره خواست تا وارد گزینش اعضای کمیسیون برای کار روی آن شود. هیئت رئیسه کنگره سقف کمیسیون را هفت نفر پیشنهاد داد و اعلام داشت که هر عضو کنگره حداکثر به این تعداد می‌تواند رای دهد و ۷ نفر اول نتیجه انتخابات، ... ادامه در صفحه ۱۰

گزارش کنگره ...

ادامه از صفحه ۹

اعضای کمیسیون تلقی خواهند شد. از میان این ۱۰ داوطلب کار در کمیسیون، ترکیبی ۷ نفره شکل گرفت و کار خود را با تعیین مخر آغاز کرد. (اعضای این کمیسیون به ترتیب حائز رای عبارت بود از: مجید عبدالرحیم پور؛ سیروس مددی - پرویز نویدی با رای برابر؛ بهروز خلیق؛ مسعود فتحی؛ احد واحدی و دینز ایشچی)

۶) بررسی و تصویب اساسنامه

هیئت رئیسه کنگره برنامه ریزی روز دوم را بر پایه این درخواست از کنگره تنظیم نمود که علیرغم وقوف به سنگین بودن دستور کار و تنگای وقت، اجازه دهد مدیریت کنگره بر مبنای همان محورهای پیشنهاد شده از سوی "هیئت برگزاری کنگره" عمل کند تا هیچ مورد مربوط به حیات تشکل واحد، بلا تصمیم نماند. بدین ترتیب با تأیید این درخواست از سوی کنگره، وقت کاری روز دوم کنگره در رسیدگی به اساسنامه، منشور و تعیین نام تشکل واحد و نیز گوش دادن به پیامهای احزاب دوست و توجه به سخنرانی‌ها تثبیت شد.

در زمینه اساسنامه فقط یک پیش‌نویس به کنگره ارائه شده بود که آن را باید حاصل زحمت چندین ماهه گروه کار مربوطه دانست. این پیش‌نویس در دوره تدارک مضمونی کنگره و طی یک جلسه مجازی مورد بحث عمومی قرار گرفته و بعد از تدقیق و تکمیل با پیشنهادهای رسیده از طرف فعالین پروژه و نیز کار کمیسیونی، جهت تصمیم‌گیری به کنگره عرضه شده بود. این پیش‌نویس قبلاً در سایت "به پیش" انتشار بیرونی یافته بود.

در ابتدای این بلوک از دستور کار، نماینده گروه کار اساسنامه با ارائه گزارشی از سیر تدوین این پیش‌نویس، مکتبی هم بر آن مواردی داشت که با پیشنهادها آلتزاتیو همراهند و در باره‌شان به تصمیم‌گیری کنگره نیاز است. گزارشگر در عین حال خاطر نشان نمود که چند مورد درخواستی برای رسیدگی در کنگره هم موجود بوده که پیشنهاد دهنده‌ها حالا دیگر از طرح آنها منصرف شده‌اند.

رئیس جلسه با اعلام اینکه شرط رسیدگی به پیشنهادها ناظر بر مفاد پیش‌نویس را آن می‌داند که ابتدا مینا بودن سند احراز شود و نیز با تصریح اینکه در صورت مصوب شدن، اعتبار آن فقط تا کنگره بعدی تشکل نوبنیاد است و لذا مدیریت منتخب این تشکل وظیفه کار تدقیقی و تکمیلی بر روی آن را دارد، از کنگره خواست تا در زمینه مینا قرار گرفتن این سند و تصویب قرار مربوط به آن ابراز اراده کند. پیش‌نویس به عنوان سند مینا به رای گذاشته شد که با ۱۰۸٪ موافق، ۱۱٪ مخالف، ۱۳٪ ممتنع و ۷٪ عدم شرکت به تصویب کنگره رسید. بدین ترتیب کنگره در مرحله رسیدگی به پیشنهادها واحد پیرامون مفاد آن قرار گرفت.

پیشنهاد اول) آوردن این ضابطه در اساسنامه: "حزبیت، اصل مقدم عمومی

در روابط درونی تشکل نوپاست."

کنگره بعد از صحبت‌های مخالف و موافق در این مورد و رای‌گیری روی آن با ۳۳٪ موافق، ۴۸٪ مخالف، ۱۱٪ ممتنع و ۶٪ عدم شرکت، پیشنهاد را نپذیرفت.

پیشنهاد دوم) تصریح این موضوع با بیانی چنین در اساسنامه: "هر عضو حق دارد مطابق وجدانیات خود ولو در مغایرت با اصل حزبیت عمل کند."

کنگره پس از سخنان مخالف و موافق در این باره، وارد رای‌گیری شد و با ۲۸٪ موافق، ۵۶٪ مخالف، ۲٪ ممتنع و ۱۴٪ عدم شرکت، پیشنهاد را قبول نکرد.

پیشنهاد سوم) قید "شورای مرکزی" جایگزین "شورای هماهنگی" مندرج در پیش‌نویس شود.

کنگره پس از شنیدن نظر مخالف و دفاعیه ارائه دهنده پیشنهاد، به تصمیم‌گیری در این مورد پرداخت و با ۷۷٪ موافق، ۱۴٪ مخالف، ۱۱٪ ممتنع و ۱۴٪ عدم شرکت، آن را تصویب و وارد پیش‌نویس نمود.

پیشنهاد چهارم) به جای "واحد‌های پایه" در پیش‌نویس، "واحد‌های محلی" بیاید.

پس از صحبت مخالف و موافق، کنگره نسبت به آن رای گرفت اما این پیشنهاد با ۳۷٪ موافق، ۴۲٪ مخالف، ۱۱٪ ممتنع و ۹٪ عدم شرکت از تصویب بازماند.

پیشنهاد پنجم) اضافه شدن "و هیئت سیاسی-اجرایی" به بند ۲-۴-۶ سند مینا.

کنگره در این مورد هم بعد از شنیدن سخنان مخالف و موافق، به رای‌گیری پرداخت و پیشنهاد با ۲۵٪ موافق، ۵۱٪ مخالف، ۸٪ ممتنع و ۱۶٪ عدم شرکت نتوانست از تصویب بگذرد.

پیشنهاد پنجم) وجود نهاد "رسیدگی به شکایات و داوری" (رشد) در ساختار تشکیلاتی مورد پذیرش قرار گیرد و در اساسنامه وارد شود.

این پیشنهاد بعد صحبت مخالف و موافق به رای گذاشته شد که با ۳۷٪ موافق، ۱۷٪ مخالف، ۲٪ ممتنع و ۸۳٪ عدم شرکت توانست از تصویب کنگره بگذرد و اصل ضرورت برخورداری تشکل نوبنیاد از وجود نهاد رسیدگی به شکایات و داوری وارد سند شود.

هیئت رئیسه با اتمام کار بررسی همه این موارد پیشنهادی، سند مینا را با دو مصوبه جایگزین در آن و اعلام اینکه مصوب شدنش مطابق مصراحت خود همین سند نیازمند برخورداری از ۶۰٪ آرای کنگره است، آن را به رای گذاشت که با نتیجه ۸۹٪ موافق، بدون مخالف، ۱۰٪ ممتنع و ۱٪ عدم شرکت به تصویب کنگره رسید.

با این تصمیم و از منظر قانونیت، نخستین گام اساسی برای تاسیس تشکل واحد برداشته شد و مناسبات حزبی اعضای آن با همدیگر در وجود یک سند قانونی، جنبه حقوقی به خود گرفت. تصویب این سند ابراز احساسات کنگره را برانگیخت و تا کنگره آتی میثاق زندگی درون‌حزبی برای این تشکل نوبنیاد قرار گرفت. سند اساسنامه جزو مجموعه مصوبات کنگره به همراه این

گزارش انتشار عمومی می‌یابد.

۷) نام‌گذاری تشکل واحد

پیشنهاد دغدغه در جمع بیانگذار این تشکل آن بود که مناسب‌ترین نام برای تشکل نو بنیاد چه می‌تواند باشد؟ بالاترین میزان مشارکت در میان علاقمندان بس حساس نسبت به سرنوشت این روند هم به همین موضوع تعیین نام اختصاص داشت. در جریان کنگره نیز، حاضرین اعم از نمایندگان و مهمانان، حساسیت ویژه‌ای از خود نسبت به نام انتخابی برای تشکل نوبنیاد نشان دادند.

در دوره تدارک پیشاکنگره به منظور رسیدن به نام مناسب برای تشکل واحد، گروه کار اساسنامه از جمع مشارکت کننده خواستار ارائه پیشنهاد راجع به نام شده و سپس با نظم دادن به پیشنهادها رسیده، لیستی از آنها فراهم آورده بود. برخی از رفقای پیشنهاد دهنده نام نیز همت کرده و در دفاع و استدلال از نام پیشنهادی خود چه در درون پروژه و چه بیرون از آن مطالبی را به رشته تحریر درآورده بودند. یک نشست مجازی عمومی هم به این موضوع اختصاص یافت تا پیرامون آن رایزنی‌ها و گفتگوهای لازم صورت گیرد. گفتنی است که در روند مشارکت پیرامون تعیین نام، گروه کار اساسنامه نام‌های پیشنهادی بسیاری برای تشکل نو بنیاد دریافت کرده بود.

گروه کار مربوطه، بر پایه پیشنهادها مطرح حول چگونگی رسیدن به تصمیم واحد در این زمینه و نیز تدابیر و تمهیدات ارگانی به این منظور، از یکسو دسته‌بندی کلی پیشنهادها بر اساس سه گزینه اصلی ساختاری را در پیش گرفت و از سوی دیگر کوشید تا پیشنهادها همسو حتی‌المقدور یکی شوند. حاصل تلاش مزبور، از طرفی رسیدن به مکانیسمی بود برای تسهیل تصمیم‌گیری کنگره در زمینه معطوف به متضمن مقصود کردن تلاش‌ها و از طرف دیگر تقلیل پیشنهادها و رساندن آنها نهایتاً به ۱۸ مورد. پیشنهادهایی که، صاحبانشان خواستار طرح آنها در کنگره بودند.

هیئت رئیسه کنگره طی روز دوم گردش کار، در بلوکی که برای بررسی این موضوع در نظر گرفته بود از نماینده گروه کار اساسنامه دعوت کرد تا هم گزارشی کوتاه از سیر کار در این موضوع ارائه دهد و هم اگر گروه کار توصیه‌ای برای پیشبرد روند تصمیم‌سازی در این زمینه دارد آن را با کنگره در میان نهد. گزارش ارائه شد و توصیه بهینه این بود که کنگره مقدماتاً بر سر ساختار مربوط به نام تصمیم بگیرد و آنگاه وارد تصمیم‌گیری بر سر فقط آن نام‌هایی شود که در ساختار مد نظر کنگره می‌گنجد. این ساختار بر پایه پیشنهادها دریافتی نمی‌توانست خارج از این سه باشد: ۱) نام بر اساس سیمای امروزین این تشکل بدون قید "فدائی" در آن؛ ۲) نام ترکیبی بر بنیان نگاه امروزین آن و در همانحال یادآور گذشته موسسین این تشکل نوبنیاد ("فدائی")؛ و ۳) نام تشکل واحد صرفاً بر پایه تشخیص "فدائی".

هیئت رئیسه آن‌گاه لیستی از حصار کنگره برای اظهار نظر پیرامون موضوع نام باز کرد که شامل ۲۴ متقاضی برای صحبت بود. رئیس جلسه به سخنرانان ...

ادامه از صفحه ۱۱

گزارش کنگره ...

ادامه از صفحه ۱۰

توصیه نمود بکوشند تا در وقت کوتاهی که دارند بر یکی از سه رویکرد ساختاری مزبور متمرکز شوند. کار رسمی روز دوم کنگره با این سخنرانی‌ها پایان گرفت.

در بلوک بعدی از گردش کار کنگره که باز به موضوع نام اختصاص داشت و طی روز آخر کنگره پیش رفت، قرار بر این شد که کنگره در پی شنیدن سخنان مخالف و موافق پیرامون سه شق ساختاری مطرح برای تعیین نام، مستقیماً وارد رای‌گیری شود. رئیس جلسه متذکر شد که هر کدام از این شقوق بگونه جداگانه به رای گذاشته می‌شوند، رای‌گیری نسبی است، و اگر فاصله دو شق حائز بیشترین آرا کمتر از ۱۰ رای باشد، میان آنها دوباره رای‌گیری صورت خواهد گرفت. نتیجه این رای‌گیری چنین بود:

(آ) نام بدون قید "فدایی":

موافق ۶۲.۲۶٪، مخالف ۹.۵۱٪، ممتنع ۶.۹٪ و عدم شرکت ۹.۱٪

(ب) نام مضمونی با افزودن قید "فدایی":

موافق ۵۰.۵۰٪، مخالف ۲۲٪، ممتنع ۵.۱۶٪ و عدم شرکت ۱٪

(پ) نام معطوف به تشخص "فدایی":

موافق ۴۲.۲۶٪، مخالف ۷.۴۷٪، ممتنع ۱۵٪ و عدم شرکت ۹.۰٪

هیئت رئیسه مطابق آئین‌نامه کنگره و تصریحات پیش از رای‌گیری، اعلام داشت که شق ساختاری نام مضمونی با افزودن قید "فدائی" بیشترین رای را آورده و لذا حائز شرط برای مینا قرار گرفتن است و بر همین اساس، کنگره می‌تواند وارد تصمیم‌گیری حول پیشنهادهایی شود که قابلیت گنجایش در این ساختار را دارند.

با این رویکرد قانونی، کنگره در آغاز ورود به بلوک سوم از رسیدگی به تعیین نام که البته آخرین آن نیز بود، از هیئت رئیسه شنید که مطابق استنتاج از تصمیم سمت‌دهنده کنگره، اکنون فقط ۷ پیشنهاد باقی مانده و بنابراین تصمیم‌گیری کنگره متوجه گزینش میان یکی از آنهاست. رئیس وقت جلسه متذکر شد که آخرین دور از بحث حول نام، فقط باید معطوف به پیشنهادهای موجود باشد و سخنرانان هم صرفاً در چارچوب آنها ابراز نظر کنند. ۱۷ نفر ثبت نام کرده بودند که جملگی آنان در این زمینه سخن گفتند.

با توجه به روشن بودن جوانب موضوع، تصمیم این شد که نیم بلوک آخر مربوط به گردش کار ناظر بر انتخاب نام به تعیین تکلیف نهایی در این زمینه تخصیص یابد و صرفاً به اخذ رای بگذرد. رئیس جلسه پیش از ورود به رای‌گیری، همان مکانیسمی را تصریح کرد که قبل از اخذ رای بر سر تعیین منشور مینا از سوی هیئت رئیسه اعلام شده بود.

یکم: حزب چپ دمکرات ایران (فدائیان اکثریت، اتحاد فدائیان - طرفداران وحدت چپ، کنشگران چپ)

موافق ۱۸٪، مخالف ۵۷٪، ممتنع ۱۹٪ و عدم شرکت ۶٪

دوم: حزب آزادی، پیشرفت و عدالت (اتحاد فدائیان - طرفداران وحدت + فدائیان اکثریت + کنشگران چپ)

موافق ۴.۹٪، مخالف ۴.۷۶٪، ممتنع ۴.۱۰٪ و عدم شرکت ۸.۳٪

سوم: حزب آینده ایران (فدائیان خلق)

موافق ۷.۲۱٪، مخالف ۲.۶۲٪، ممتنع ۱.۱۴٪ و عدم شرکت ۹.۱٪

چهارم: حزب چپ دمکرات ایران (فدائیان خلق)

موافق ۸.۶۲٪، مخالف ۶.۲۸٪، ممتنع ۷.۶٪ و عدم شرکت ۹.۱٪

پنجم: حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

موافق ۸۳٪، مخالف ۲.۱۳٪، ممتنع ۹.۱٪ و عدم شرکت ۹.۱٪

ششم: حزب آزادی و عدالت ایران (وحدت فدائیان خلق)

موافق ۲.۲۰٪، مخالف ۴.۶۴٪، ممتنع ۵.۱۱٪ و عدم شرکت ۹.۲٪

هفتم: سازمان آزادی، عدالت، دموکراسی و توسعه ایران (فدائیان خلق ایران)

موافق ۲.۲۱٪، مخالف ۶.۵۹٪، ممتنع ۴.۱۵٪ و عدم شرکت ۸.۳٪

با روشن شدن نتیجه آرا در مورد گزینش نام حزب نوبنیاد و تطابق‌یابی آن با ضوابط مندرج در آئین‌نامه، رئیس وقت کنگره با صدای بلند نام **حزب چپ ایران (فدائیان خلق)** را با پشتوانه ۸۳٪ رای موافق از کنگره بنیانگذار و تعلق داشتن آن به همه کنگره و به جنبش چپ و دمکراتیک ایران اعلام نمود و اعضا و مهمانان کنگره مشترک با ابراز احساسات پرشور خود، زایش این حزب در سپهر سیاسی ایران را شادباش گفتند.

۸) رویکرد سیاسی کنگره

هیئت رئیسه کنگره از اینکه ناگزیر شد عمده وقت کنگره را به تعیین نام حزب و رسیدگی به دو سند پایه‌ای اساسنامه و منشور اختصاص دهد و باقیمانده وقت روز آخر را صرف وظیفه حتمی شکل‌دهی به شورای مرکزی منتخب خود کند، از عدم امکان ورود کنگره به بخش سیاسی از دستور کار آن، ابراز تأسف کرد. این در حالی بود که پیش‌نویس سند سیاسی که تنها سند هم در این زمینه به شمار می‌رفت و نیز از حمایت زیاد متجلی در حین مباحث پیشاکنگره برخوردار بود، پیشاپیش در دفتر کنگره درج شده بود. کنگره در این زمینه تصمیم گرفت که سند سیاسی به امضای شورای مرکزی منتخب کنگره و بر پایه کار تدقیقی ملهم از تذکرات سیاسی مطرح در سخنرانی‌های حین کنگره منتشر شود.

بعلاوه در آخرین روزهای قبل از تشکیل کنگره، طرح اولیه بیانیه‌ای پیرامون تشدید و خامت بیشتر در مناسبات جمهوری اسلامی یا دولت کنونی امریکا و مؤتلفین منطقه‌ای آن و پیامدهای خطرناک ناشی

از این وضع برای مردم ایران به کنگره پیشنهاد شده بود که فرصت بررسی آن فراهم نیامد. این نیز در حالی بود که لزوم درنگ جدی بر این موضوع طی سخنرانی‌های متعدد در کنگره مورد تأکید قرار گرفت و کنگره لزوم اعلام اراده سیاسی در این زمینه را تصریح نمود.

کنگره همچنین بر صدور پیام‌هایی به نام خود خطاب به همه ایرانیان پی جوی آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی؛ خطاب به کارگران و زحمتکشان؛ به زنان تبعیض‌ستیز؛ جوانان مبارز؛ به فعالان تحت تبعیض ملی در کشور؛ و خطاب به زندانیان سیاسی تأکید کرد و وظیفه انتشار آنها را به شورای مرکزی منتخب خود سپرد. این پیام‌ها همراه این گزارش منتشر می‌شوند.

همه این موارد نیازمند تصمیم، در چارچوب یک قرار از سوی هیئت رئیسه کنگره تنظیم شده بود که بعد از اظهار نظر مخالف و موافق پیرامون این روش از عمل، به رای کنگره گذاشته شد. کنگره این قرار را با ۷۵٪ موافق، ۴.۵٪ مخالف، ۷.۸٪ ممتنع و ۹.۱۰٪ عدم شرکت تصویب کرد.

در جریان کنگره خبر رسید که عملیات تعرضی دولت اسرائیل علیه معترضین فلسطینی در اعتراض آنان به تداوم اشغالگری این دولت، باعث کشتار ۱۵ نفر و مجروح شدن صدها نفر شده است. کنگره ضمن ابراز انزجار نسبت به آمران و عاملان این جنایت، با ۸.۷۹٪ رای موافق، ۱.۷٪ مخالف، ۱.۷٪ ممتنع و ۶٪ عدم شرکت، تصمیم به واکنش در قبال این سرکوبگری گرفت.

۹) درباره تعیین تکلیف با منشور

کنگره در آخرین ساعت از وقت خود اقدام به تعیین تکلیف با "منشور دیدگاه، ارزش‌ها و گذر به دموکراسی" کرد.

به این منظور رئیس وقت جلسه از مخبر کمیسیون منتخب کنگره دعوت به عمل آورد تا پیرامون نتیجه کار کمیسیون و مصوبات و پیشنهادهای آن گزارش دهد. مخبر کمیسیون ضمن برشمردن موارد تدقیقی، تصویری و معلق - در معنی واگذاری موضوع مستقیماً به خود کنگره - آنها را در سه مقوله دسته بندی کرد. تدقیقی شامل مواردی که توافق بر سر آنها در کمیسیون تأمین بود؛ تصویری متوجه برخی مصوبات مضمونی در کمیسیون که نسبت به موضوع متناظر خود در سند مینا جنبه آلترناتیوی دارند و لذا محتاج تصمیم‌گیری کنگره؛ و بالاخره مواردی از بندهای دهم و یازدهم سند مینا که کمیسیون نظر به حساسیت موضوع و نرسیدن به تصمیم قاطع در باره آنها، تشخیص و ترجیح داد تا در این زمینه کنگره خود راساً ابراز اراده کند.

هیئت رئیسه بعد از باز کردن لیست سؤالات اعضای کنگره از مخبر کمیسیون و پیشبرد مرحله پرسش و پاسخ ... به این نتیجه رسید که بدلیل کمبود وقت، متأسفانه امکان بررسی پیشنهادات ارسالی از طرف کمیسیون نیست و سند مینا نمی‌تواند برای تصویب قطعی به رای کنگره گذاشته شود. لذا قرار شد که در فاصله تنگ زمانی باقیمانده کوشش به عمل آید تا روش رسیدن به ...

ادامه در صفحه ۱۲

گزارش کنگره ...

ادامه از صفحه ۱۱

تصمیم در این زمینه، از طریق مشارکت مستقیم خود اعضای کنگره شکل بگیرد. در پاسخ به این درخواست از سوی رئیس وقت کنگره، چندین پیشنهاد توسط اعضای کنگره ارائه شد که در جمع‌بندی از آنها چهار تدبیر پیشنهادی وجود داشت.

طی یک دور بحث معلوم شد که عمل به دو شق از اینها اعتبار اساسنامه‌ای ندارد و باید از دور خارج شوند. یکی دیگر از پیشنهادهای هم با پس گرفته شدنش منتفی گردید و در نتیجه فقط یک شق باقیمانده در معرض تصمیم‌گیری مستقیم کنگره قرار گرفت. مضمون قرار ناطر بر این شق، تاکید بر ثبت و اعلام سیر واقعی روند مربوط به منشور تا نقطه‌ای را داشت که کنگره اکنون در همانجا ایستاده است. تصریح قرار مربوطه بر این بود که آنچه گذشت ثبت پرونده مصوبات کنگره شود و حاصل آن مبنای عمل حزب تا کنگره بعدی قرار گیرد. متن این قرار چنین بود:

۱. کنگره در رابطه با منشور، سند مبنای تعیین کرد و کمیسیونی برای کار روی آن انتخاب نمود.

۲. کنگره پیشنهادهای کمیسیون پیرامون منشور را دریافت داشت، اما فرصت نکرد تا نقطه تصویب قطعی آن پیش برود.

۳. شورای مرکزی حزب سند مبنای کنگره را به پشتوانه داشتن رای تمایل کنگره، تا کنگره بعدی، مبنای عمل حزب ما قرار دهد.

۴. سند دارای رای تمایل کنگره، همراه همه مصوبات و پیشنهادهای آن انتشار عمومی می‌یابد.

۵. شورای مرکزی منتخب موظف می‌شود که روی این سند دارای رای تمایل کار کند و آنرا برای تصویب قطعی در کنگره آتی آماده نماید.

این قرار مرکب با ۶۷٪ موافق به تصویب رسید و کنگره رضایت خود از این توافق حقوقی را با ابراز احساسات پاس داشت.

۱۰) انتخاب شورای مرکزی

کنگره در یکی از آخرین بلوک‌های کاری خود گام در گزینش ترکیب شورای مرکزی منتخب خود گذاشت و از اعضای کنگره درخواست کرد برای عضویت در شورای مرکزی حزب چپ ایران (فداییان خلق) کاندیدا شوند.

۳۳ عضو کنگره با اعلام داوطلبی خود برای پذیرش این مسئولیت خطیر، نام خود را بر تابلوی کاندیداها نشاندهند.

نخستین تصمیم روشی در این زمینه مربوط می‌شد به تعیین سقف شورای مرکزی.

از میان شقوق مطرح، دو مورد عمدگی داشت. یک اینکه همه کاندیداها به عضویت شورا پذیرفته شوند و دیگری آنکه توافق را بر سقف ۲۵ نفر بگذاریم. هیئت رئیسه بعد از صحبت‌های مخالف و موافق روی این دو شق، آنها را آلت‌رناتیو همدیگر اعلام نموده و از اعضای کنگره خواست تا با رای خود یکی از این دو را برگزینند.

شق اول: هر ۳۳ کاندیدا عضو شورای مرکزی پذیرفته شوند.

شق دوم: تعداد اعضای شورای مرکزی ۲۵ نفر باشد.

نتیجه: موافق شق نخست ۱۹٪ و موافق شق دوم ۸۱٪.

بدین ترتیب تصمیم کنگره بر تشکیل شورای مرکزی ۲۵ نفره قرار گرفت.

آن‌گاه رئیس وقت کنگره اعلام داشت که لازم است کنگره سر مکانیسمی به توافق برسد که پیشاپیش تعادل جنسیتی در ترکیب شورای مرکزی منتخب را تامین کند، حضور حداقلی اعضای هر سه مولفه تشکیل دهنده حزب واحد در آن را تضمین بدارد و حضور گرایش‌های متنوع فکری و سیاسی در مدیریت این حزب را حتی‌المقدور بازتاب دهد. در رابطه با همین رویکرد هم بود که دوری از دریافت پیشنهاد از اعضای کنگره و صحبت موافق و مخالف پیرامون آنها پیش رفت و آن‌گاه کنگره به ابراز اراده در این زمینه برخاست. در این رابطه دو پیشنهاد آلت‌رناتیو مطرح بود.

شق رای‌گیری بر مبنای رای اکثرال (هر صاحب رای حق این را داشته باشد که رای مازاد بر انتخاب خود را بین کاندیداها یا کاندیداها دیگر توزیع کند)

نتیجه: موافق ۳۰٪ و مخالف ۷۹٪

شق پذیرش پیشاپیش سهمیه ۵ نفر برای هر مولفه از تشکیل دهندگان حزب واحد.

نتیجه: موافق ۵۵٪، مخالف ۴۰٪، ممتنع ۹٪ و عدم شرکت ۱٪

مبتنی بر این نتیجه و در نظر داشت توافق عمومی بر سر حضور حداقل بیست درصدی زنان در ترکیب شورای مرکزی - البته متاثر از حد حضور آنان در کنگره - هیئت رئیسه اعلام کرد که ضریب منطقی برای رای شکسته در انتخاب شورای مرکزی دو سوم می‌تواند باشد.

مصوبه: هر عضو فقط به دو سوم کاندیداها می‌تواند رای دهد. از میان کاندیداها هر سهم مؤلفه تشکیل دهنده حزب واحد، حداکثر ۵ نفر اول آنها فارغ از هر میزان رای که آورده باشند و ۵ نفر اول از کاندیداها زن عضو شورا تلقی می‌شوند.

هیئت رئیسه آنگاه از داوطلبان عضویت در شورای مرکزی دعوت کرد که در وقت کوتاهی که در اختیار دارند با معرفی خود مواردی را که در رابطه با آمادگی برای پذیرش این مسئولیت لازم می‌دانند با کنگره در میان بگذارند.

در پی ارائه معرفی کاندیداها، کنگره وارد رای‌گیری شد و ۲۵ رفیق از ۳۳ کاندیداها بر اساس رای‌ی که کسب کردند که ضمن تشویق از سوی کنگره، به ترتیب زیر معرفی شدند:

مریم تنگستانی - مهدی پرویز - نادر عصاره - محمد اعظمی - علی پورنقوی - منوچهر گلشن - بهروز خلیق، مسعود فتحی و صادق کار (رای برابر) - فرزانه عطیمی - پرویزنوبیدی - فرید اشکان، وهاب انصاری، رضادرخشان و حسن زهتاب (رای برابر) - یدی بلدی، مهدی فتاپور و توران همتی (رای برابر) - سیامک سلطانی - مرضیه دانش، راحله طارانی و پروین همتی (رای برابر) - مهدی ابراهیمزاده - منوچهر مقصودنیا و حجت نارنجی (رای برابر).

بر اساس نتایج رای‌گیری، همه این ۲۵ نفر در همان دور نخست رای‌گیری مطابق با اساسنامه خود نصاب لازم برای عضویت در شورای مرکزی را به دست آوردند، موضوع رعایت سهمیه زنان و نیز سهم حداقلی هر سه مؤلفه در شورای مرکزی بر اساس رای‌های داده شده و مبتنی بر روحیه وحدت‌طلبانه در اعضای کنگره بگونه طبیعی در ترکیب حاصله تامین شد و تنوع گرایش‌های موجود تا اندازه بسیار زیادی در جمع منتخب بازتاب یافت. افتخار کسب رای اول کنگره را یک زن کسب کرد و از این طریق روحیه و باور برابرحقوقی‌طلبی کنگره به نمایش درآمد.

۱۱) کنگره و اعلام پشتیبانی از آن

کنگره بنیانگذار حزب چپ ایران (فدائیان خلق) این افتخار را داشت که میزبان نمایندگانی از احزاب و تشکلهایی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی، شخصیت‌های منفرد از جریان چپ ایران، فعالان و تحلیل‌گرانی متعلق به صفوف چپ و دموکراسی خواهی، یاران و همیارانی از تبار فدایی، و نیز نمایندگان و خبرنگارانی از چندین رسانه معتبر باشد. کنگره بارها از زبان هیئت رئیسه خود اعلام داشت که همه این عزیزان را میزبان کنگره می‌شناسد و حضور و نفوذشان بر گردش کار و محتوی مباحث را به گرمی پاس می‌دارد.

از تشکلهای ایرانی، نماینده یا هیئت نمایندگانی از اتحاد جمهوریخواهان ایران، جبهه متحد بلوچستان ایران، جبهه ملی ایران - اروپا، حزب توده ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب دمکراتیک مردم ایران و حزب کومله کردستان ایران در این کنگره موسس شرکت داشتند که در شکل کتبی و یا تصویری - صوتی، پیام و سخن رفیقانه و دوستانه خود را با کنگره در میان گذاشتند. کنگره با ابراز احساسات خود نسبت به هر یک از این نمایندگان متعلق به اپوزیسیون دمکرات و چپ ایران بخاطر اعلام همبستگی آنها با کنگره مشترک برای ایجاد حزب چپ ایران (فدائیان خلق) سپاسگزاری کرد.

حضور جمعی از کادرهای سرشناس جنبش چپ افغانستان، همسایه شرقی کشور ما در کنگره موجب خرسندی عمیق همه حضار بود. پیام حزب کمونیست ("شیوعی") عراق همسایه غربی میهنمان، موجبی دیگر برای ابراز خوشحالی کنگره شد. روحیه حاکم بر کنگره تاکید بر لزوم تحکیم مناسبات بین نیروهای مترقی، دمکراتیک، چپ و صلح‌جوی کشورهای منطقه در این شرایط بحرانی پرتنش و جنگ افروزانه بود که امروز و فردای مردمان و ملت‌ها را به شدت تهدید می‌کند. پیام جبهه متحد چپ اسپانیا که جبهه‌ای است اراده کرده برای گرد آمدن چپ‌های این کشور علیه راست نئولیبرالی و نژادپرست، و نیز پیام حزب چپ آلمان که مولود اراده مبتنی بر وحدت در چپ این کشور برای برآمد قاطع چپ متحد علیه جبهه راست بود، برای کنگره مشترک ما معنی خاصی داشتند. پیام رفیقانه حزب کمونیست کانادا به کنگره مشترک نیز یکی دیگر از پیام‌های دریافتی بود. ...

پیام کنگره بنیانگذار حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

به

کارگران و زحمتکشان ایران

کارگران و زحمتکشان!

کنگره مشترک سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کنشگران چپ که با هدف پی‌ریزی تشکل واحد چپ برگزار گردیده به شما درود می‌فرستد و همبستگی و حمایت کنگره از حقوق و مطالبات شما را اعلام و شما را به همبستگی و اتحاد هرچه گسترده‌تر فرا می‌خواند.

کنگره ما در شرایطی برگزار می‌شود که امواج اعتراضات و اعتصابات حق‌طلبانه و آزادی‌خواهانه شما کارگران و زحمتکشان علیه عدالت‌ستیزان و جمهوری اسلامی خروشان‌تر از همیشه سراسر کشور را فرا گرفته و فضای جامعه را تحت تاثیر خود قرارداد است. دستگاه سرکوب رژیم نتوانسته است شما را از ادامه اعتراضات و مبارزه حق‌طلبانه‌تان باز دارد. شما با ادامه اعتراضات و مقاومت دلیرانه در برابر دستگاه سرکوب حکومتی توانسته‌اید تعرض دولت و کارفرمایان به حقوق‌تان را به چالش بکشید و امید به تغییر و تحول دمکراتیک در جامعه را نیز که اکثریت بزرگ مردم در پی آن هستند، تقویت کنید. مبارزات و شعارهای شما اینک الهام‌بخش گروه‌های اجتماعی دیگر گردیده و چشم بسیاری از تحول‌خواهان به شما دوخته شده است.

ما به شما درود می‌فرستیم، مبارزات و اعتراضات حق‌طلبانه شما کارگران، معلمان، پرستاران بازنشستگان و عموم شما مزدبگیران یدی و فکری را ارج نهاده و از آن حمایت می‌کنیم. ما مبارزات شما علیه بی‌عدالتی، دیکتاتوری و پایمال‌سازی حقوق سندیکایی را موثر و آن را منطبق با منشور خود می‌دانیم و به سهم خود دوش به دوش شما برای متحقق نمودن آنها تلاش می‌کنیم.

کنگره ما پیگرد رهبران و فعالین سندیکایی و زندانی کردن آنها را محکوم و با معلمان و کارگران زندانی و خانواده‌های آنها اعلام همبستگی می‌کند و خواهان توقف بلادرنگ سرکوب سندیکاها و آزادی کارگران زندانی و رفع همه موانع بر سر راه فعالیت‌های سندیکائی و اجرای بی‌کم و کاست مقابله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار است.

کارگران و مزدبگیران!

هم چنان که در جریان مبارزات جاری متوجه شده‌اید، شما بدون برخورداری از سندیکا و اتحادیه‌های مستقل و شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مدنی، قادر به کسب مطالبات و حقوق‌تان و حفظ دست‌آوردهای مبارزاتی گذشته‌تان نخواهید شد. تشکیل سندیکا و اتحادیه‌های مستقل و نیرومند، فعالیت در سازمان‌ها و احزاب کارگری و هم‌پیوندی با سایر جنبش‌های اجتماعی، می‌تواند بر قدرت و توان مبارزاتی شما بیفزاید. داشتن کار حق شماسست و دولت وظیفه دارد شرایط اشتغال شما را فراهم کند. تامین اشتغال، افزایش دستمزدهای بالای خط فقر، ایجاد امنیت شغلی و اجتماعی و اقتصادی، برخورداری از حقوق مناسب کار و بیمه‌های اجتماعی موثر، مستلزم سازمانیابی هرچه وسیعتر شماسست. تفرقه و تشدد صفوف شما را تضعیف می‌کند.

وحدت، همکاری و اتحاد نیاز جامعه ماست. در پاسخ به این نیاز، کنگره حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را بنیان نهاد تا چپ بتواند با فشرده‌تر کردن صفوف خود در مبارزه علیه دیکتاتوری و برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و در حمایت از حقوق و مطالبات شما نقش موثر ایفاء کند.

کنگره بنیانگذار حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۱۲ فروردین ۱۳۹۷

پیام کنگره بنیانگذار حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

به زنان ایران

کنگره مشترک سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کنشگران چپ که با هدف تشکیل یک تشکل واحد چپ برگزار گردیده به شما درود می‌فرستد و همبستگی و حمایت کنگره از حقوق و مطالبات به حق شما را اعلام می‌دارد.

کنگره ما در شرایطی برگزار می‌شود که جمعی از شما با اقدام جسورانه‌تان بر علیه حجاب اجباری، توجه جهانیان را به سوی خود جلب کرده و برگ زرین دیگری بر صفحات تاریخ مبارزات حق‌طلبانه کشورمان افزوده‌اید. اما علیرغم مبارزاتتان، شما همچنان تحت تبعیض غیرانسانی قرار داشته و حقوق‌تان در همه زمینه‌ها چه زندگی شخصی و چه زندگی اجتماعی به شکل بی‌سابقه‌ای نقض می‌شود. شما نه تنها مجبور به تحمل حجاب اجباری هستید، بلکه در نظام مردسالار جمهوری اسلامی به عنوان شهروند درجه دوم به حساب می‌آیید. ایران امسال با قرار گرفتن در قعر جدول نابرابری‌های جنسیتی، اوج پسرقت حقوق زنان در طول چهل سال حیات جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی را به نمایش گذاشت. در جمهوری اسلامی برخلاف بیشتر کشورهای مسلمان، شما نه تنها مجبور به تحمل حجاب اجباری هستید، بلکه از همان اوان انقلاب از صحنه اقتصادی و اجتماعی حذف شده و بی‌حقوقی نسبت به شما به امری مسلم و جاری تبدیل شده است. بیشترین شما نه فقط در حوزه خصوصی تحت قیمومیت همسر، پدر و برادر خود هستند، بلکه در سطح جامعه نیز از برابرقوقی محروم بوده و همچنان اجازه ورود به بعضی از مشاغل را ندارید.

حکومت ایران و قانون‌گذاران آن با توسل به شرع و سنت، امکان مشارکت زنان در حوزه‌های سیاسی را حتی از بسیاری از کشورهای همسایه تنگ‌تر کرده و دست خود را برای تصویب و اجرای قوانین زن‌ستیز هرچه بیشتر گشوده‌اند. همچنان زنان به لحاظ قانونی در موقعیت فرودست در جامعه قرار دارند و از تبعیض جنسیتی، خشونت‌های جنسی در خانواده، محیط کار و جامعه و قوانین زن‌ستیز جمهوری اسلامی رنج می‌برند. علیرغم اینکه شما زنان و دختران ایران در طول دهه‌های اخیر گوی سبقت را از مردان در بسیاری از رشته‌های آموزشی دانشگاهی ربوده‌اید، اما سهم‌تان از مشاغل درخور بخصوص در سطح مدیریت بسیار پایین‌تر از مردان است. هنوز در بسیاری از مشاغل، دستمزد شما زنان از هم‌تایان مردتان پایین‌تر است. عدم وجود امکانات لازم برای مادران شاغل از جمله شیرخوارگاه و مهدکودک برای فرزندانشان، زندگی آنان را با مشکلات هرچه بیشتری روبرو می‌سازد، زنان کارگر و زحمتکش را که فاقد هر اندوخته‌ای‌اند به ادامه شغل خود تحت هر شرایطی مجبور می‌کند و بخشی از آنان را که شغل آزاد داشته و امکانات خصوصی برای نگهداری از فرزندانشان را ندارند، به دست شستن از شغل خود و پیوستن به خیل بیکاران، بدون دریافت هرگونه بیمه بیکاری وامی‌دارد.

«دختران خیابان انقلاب»!

اقدام شما امسال نقطه عطفی در مبارزات زنان علیه حجاب اجباری و برای برابرقوقی و رفع تبعیض جنسیتی بود. ما پشتیبان این حرکت شما بوده و همچون اکثریت جامعه، خواهان آزادی در انتخاب نوع پوشش هستیم. کنگره ما بازداشت «دختران خیابان انقلاب» و زندانی کردن آنها را محکوم و با آنها اعلام همبستگی می‌کند و خواهان توقف بلادرنگ بازداشت زنان و فعالین مدافع حقوق زنان است.

زنان مبارز!

شما هرگز در مقابل نابرابری‌ها ساکت ننشسته و در دفاع از ابتدائی‌ترین حقوق خود هزینه‌های سنگینی را متحمل شده‌اید. شما امسال نیز در روز زن بار دیگر خواسته‌های خود را با صدای رسا اعلام کردید. ما از حقوق شما برای دستمزد برابر با مردان، فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایجاد اشتغال، راه‌یابی به فضاهای عمومی، به عرصه سیاست و اقتصاد حمایت کرده و با امید به تلاش‌هایتان برای گسترش سازمانیابی و سازماندهی زنان می‌نگریم، اطمینان داریم که نتیجه این تلاش، ارتقای توان مبارزاتی شما برای دستیابی به خواسته‌های بحق‌تان خواهد بود.

کنگره ما تلاش دارد با وحدت صفوف نیروهای چپ به عنوان مدافع راسخ برابری‌طلبی زنان و جامعه‌ای عاری از تبعیض، با ایجاد تسهیلات برای مشارکت سیاسی هرچه بیشتر زنان و فشرده‌تر کردن صفوف زنان و مردان در مبارزه علیه دیکتاتوری و برای آزادی، دموکراسی و عدالت، گامی موثر در جهت تقویت جنبش زنان و سازمان‌یابی آنان در ایران بردارد. ما خواهان آزادی بدون قید و شرط زنان زندانی سیاسی هستیم و از مبارزات به حق شما حمایت کرده، خواهان به رسمیت شناخته شدن تشکل‌های مستقل زنان و روز زن هستیم.

کنگره بنیانگذار حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۱۲ فروردین ۲۰۱۸

منشور حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

توضیح در مورد منشور مبنا: «دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی»

منشور «دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی» با اصلاحات پیشنهادی به کنگره ارائه شده بود. این سند برای بحث و بررسی به کمیسیون منتخب کنگره ارائه شد. پس از پایان کار کمیسیون، کنگره قراری را در رابطه با منشور به تصویب رساند که طبق آن، شورای مرکزی حزب سند مبنای کنگره را به پشتوانه داشتن رای تمایل کنگره، تا کنگره بعدی، مبنای عمل حزب قرار می‌دهد و سند دارای رای تمایل کنگره را، همراه همه مصوبات و پیشنهادهای آن انتشار عمومی می‌یابد. متن منشور ارائه شده به کنگره:

دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی

کشور ما نیازمند تحول دموکراتیک در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و توسعه پایدار است. توسعه پایدار مستلزم تامین آزادی و استقرار دموکراسی، غلبه بر فقر و بیکاری و کاهش فاصله طبقاتی است. ما - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (طرفداران وحدت چپ) و کنشگران چپ - در پاسخ به این الزامات، تشکل چپ دموکرات و سوسیالیستی را پی می‌ریزیم.

دیدگاه و ارزش‌های ما

۱. صلح، آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، دموکراسی، برابر حقوقی زن و مرد، تنوع سبک زندگی، رفع تبعیض‌های طبقاتی، ملی - قومی و مذهبی و حفظ محیط زیست، از اصول پایه‌ای برنامه و جزو ارزش‌های ما هستند. ما از حقوق، منافع و مطالبات کارگران، مزدگیران و تهیدستان در مقابل تعرض سرمایه دفاع می‌کنیم.
۲. ما طرفدار دموکراسی و مخالف هر گونه استبداد و دیکتاتوری هستیم و حاکمیت را ناشی از اراده آزاد مردم و برای مردم می‌دانیم، به رای و انتخاب آزادانه مردم، به حاکمیت قانون، به محدودیت زمانی قدرت و پلورالیسم سیاسی پای بندیم. ما برای تعمیق و گسترش دموکراسی انتخابی به دموکراسی مشارکتی و مستقیم در اشکال مختلف از جمله خودگردانی و خودمدیریتی مبارزه می‌کنیم.
۳. ما جزئی از جنبش جهانی چپ هستیم و ضمن ارج‌گذاری بر دست‌آوردهایش، با نقد نظری و تجربی این جنبش، به این باور رسیده‌ایم که سوسیالیسم و دموکراسی در هم تنیده‌اند. سوسیالیسم مورد نظر ما محصول روندی است آگاهانه برای دستیابی به جامعه مطلوب و انسانی که به مثابه یک فرآیند با ایجاد و گسترش ارزش‌های سوسیالیستی و مشارکت نیروهای باورمند به این ارزش‌ها، شکل می‌گیرد.

سرمایه‌داری و فرآیند جهانی شدن

۴. تداوم بحران‌های ادواری و ساختاری سرمایه‌داری جهانی همراه با نیاز حیاتی آن به توسعه جهان‌گستر برای سودآوری هر چه بیشتر، از دهه هشتاد سده گذشته مرحله جدیدی را در سرمایه‌داری، همراه با سلطه بیشتر سرمایه مالی، موجب شده است. ما مخالف سرمایه‌داری هستیم و بر این باوریم که سرمایه‌داری آخرین نظام اقتصادی - اجتماعی و پایان شکل بندی تاریخی و محتوم نیست. تلاش بشریت برای دستیابی به جامعه مطلوب ادامه دارد.
۵. ما معتقدیم جهانی شدن، مشخصه اصلی دوران ما است که در همه ابعاد حیات بشری جریان دارد. طی این فرآیند ارزش‌هایی همانند صلح، آزادی، برابری، دموکراسی، حقوق بشر و همبستگی بیش از پیش به ارزش‌های مورد پذیرش در سطح بین‌المللی تبدیل می‌شود. دست‌آوردهای جهانی شدن، می‌توانند در خدمت جامعه بشری و در راستای آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی قرار گیرند و فرصت‌های جدیدی را در اختیار همه قرار دهند. ما مخالف جهانی‌سازی نئولیبرالیستی هستیم که از جانب جریان‌های راست نو، دولت‌های محافظه‌کار، شرکت‌های فراملیتی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که بدون مشارکت، نظارت و مداخله دموکراتیک اکثریت عظیم مردمان جهان و به نفع اقلیت ثروتمند و به زیان اکثریت جامعه بشری به پیش برده می‌شود، ما برای "جهانی بهتر" مبارزه می‌کنیم.

جمهوری اسلامی و گذار از آن

۶. جمهوری اسلامی نظامی است مستبد، سرکوبگر و دشمن حقوق بشر و دموکراسی که در اساس با تکیه به رانت نفتی، اتکا به ارگان‌های امنیتی، نظامی و تبلیغی به سلطه سیاسی خود تداوم می‌بخشد. جمهوری اسلامی با تلفیق دین و دولت و ساختار مبتنی بر ولایت فقیه و قانون اساسی تبعیض‌آمیز مبتنی بر شیعه اثنی‌عشری، مانع اعمال اراده آزاد مردم و حق انتخاب آنان برای تعیین سرنوشت خویش و سد راه پیشرفت و تحول دموکراتیک در جامعه ایران است.
۷. ما برای گذار از جمهوری اسلامی به یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دولت و دین مبارزه می‌کنیم. گذار از جمهوری اسلامی نیازمند سازمان‌یابی و به میدان آمدن کارگران، مزد و حقوق‌بگیران، تهیدستان، طبقه متوسط جدید و نیروهای آزادی‌خواه و دموکرات است. روش راهبردی ما برای گذار، بر مبارزات دموکراتیک مردم، جنبش‌های اجتماعی، نهادهای مدنی، جنبش دموکراتیک ملیت‌ها و اقوام ساکن ایران، بسیج پایگاه اجتماعی چپ در میان کارگران، زحمتکشان و مزد و حقوق‌بگیران و فرهنگ‌سازان جامعه استوار است. همراهی نیروهای سیاسی آزادی‌خواه می‌توانند با تغییر توازن قوای کنونی، گذار به یک جامعه آزاد و عادلانه را هموار سازند.
۸. تلاش برای نزدیک کردن نیروهای جمهوری‌خواه، دموکرات و سکولار جهت شکل دادن به یک ائتلاف گسترده سیاسی میان آنان برای گذار به دموکراسی، از مولفه‌های اصلی استراتژی سیاسی ماست. سیاست ما در این راستا بر اتحاد گسترده با دیگر نیروهای چپ و سوسیالیست، ائتلاف با نیروهای آزادی‌خواه حول جمهوریت و جدایی دین و دولت است. ما طرفدار مبارزه مسالمت‌آمیز هستیم و از ابتکارات مردم با توجه به شرایط و سطح رشد مبارزات مدنی آن‌ها حمایت می‌کنیم. چگونگی گذار از جمهوری اسلامی و کاربست اشکال گوناگون مبارزاتی، به نحوه برخورد جمهوری اسلامی با اراده و خواست مردم برای تغییر ساختار سیاسی بستگی دارد.
۹. از دیدگاه ما، انتخابات آزاد و منصفانه یکی از قواعد اساسی نظام دموکراتیک است. مبارزه برای برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه به عنوان شعاری فراگیر، بسیج‌گر و پوشش‌دهنده نیروهای مخالف و منتقد جمهوری اسلامی، وجهی از استراتژی ماست. انتخابات آزاد و منصفانه مشروط به تامین آزادی فعالیت احزاب مخالف، تشکل‌ها و انجمن‌ها، آزادی مطبوعات و مبادله اطلاعات است.

...

منشور حزب ...

ادامه از صفحه ۱۵

۱۰ قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی عمدتاً در دست ولی فقیه، سپاه، نهادهای امنیتی و نیروهای راست افراطی به رهبری ولی فقیه متمرکز شده است. ما بر تمرکز مبارزه علیه ولایت فقیه به عنوان رکن اصلی این نظام تاکید داریم. ما در شکاف موجود بین وجه ولایت و جمهوریت نظام، بر تقویت جمهوری خواهی تاکید داریم و تعمیق یافتن شکاف‌های درون حکومتی در مواجهه با مطالبات جامعه را، به سود مبارزه مردم علیه حاکمیت استبدادی می‌دانیم. به باور ما عقب‌نشاندن حکومت در این و یا آن حوزه به سود روندهای دموکراتیک و تامین مطالبات مردم، گامی است به جلو در مبارزه علیه استبداد دین‌سالار.

۱۱. ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی راه اصلاحات را مسدود کرده است. گفتمان اصلاحات راهگشا نیست و اصلاح‌طلبان حکومتی نشان دادند که راهکاری برای برون‌رفت کشور از وضعیت بحرانی ندارند. رویکرد بخشی از آن‌ها، حفظ و بسط موقعیت خود در جمهوری اسلامی است. اصلاح‌طلبان حکومتی روند تجزیه میان حفظ نظام و تحول‌خواهی را طی می‌کنند. موضع ما در مورد این جریان نقد نگاه و مواضع آن‌ها است. ما ضمن تاکید بر تدوین قانون اساسی جدید توسط مجلس مؤسسان منتخب مردم، تغییرات در قانون اساسی موجود در راستای محدود شدن دامنه اختیارات و عملکرد دستگاه ولایت فقیه و نهادهای انتصابی و تغییر در توازن قوا در جهت تقویت نقش و تاثیر جامعه مدنی و نهادهای انتخابی را مثبت تلقی می‌کنیم.

۱۲. نظام پیشنهادی ما، نظام سیاسی - اجتماعی دموکراتیک در شکل جمهوری است. جمهوری مورد نظر ما مبتنی بر حق رای آزاد و همگانی، پایبندی به قانونیت و بر اصل جدایی دولت و دین، تفکیک قوای سه‌گانه، استقلال رسانه‌ها، تناوب قدرت و انتخابی بودن مقامات، نفی حکومت دینی و مسلکی، ساختار سیاسی و اداری غیرمتمرکز و پلورالیسم استوار است. در این جمهوری مذهب و ایدئولوژی رسمی وجود ندارد. همه مذاهب و باورهای مردم مورد احترام است. ما بر انطباق قانون اساسی جدید کشور بر منشور جهانی حقوق بشر و ملحقات آن تاکید داریم. در جمهوری مورد نظر ما، حکم اعدام، شکنجه و مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی ممنوع است.

۱۳. لازمه گذار به دموکراسی و تحکیم آن، گذار از جمهوری اسلامی، انحلال دستگاه‌های ویژه سرکوب مردم، ایجاد تغییرات در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، تامین آزادی و عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است. برای تامین این امر، ضروری است به مالکیت نامعین واحدهای اقتصادی وابسته به ولی فقیه، سپاه و روحانیت پایان داده شود، مالکیت این واحدها به بخش‌های دیگر اقتصادی انتقال یابد و دارایی کسانی که ثروت‌های کشور را با رانت‌خواری، فساد و قاچاق غارت کرده‌اند، مورد حسابرسی قرار گیرد.

مسائل برنامه‌ای

۱۴. ما از آزادی سازمان‌یابی گروه‌های اجتماعی، تشکیل سندیکاها، کارگری، تشکل‌های صنفی و سازمان‌های غیردولتی و فعالیت آزادانه احزاب سیاسی، آزادی رسانه‌ها، گردش آزادانه اطلاعات و حق دسترسی مردم به آن، آزادی عقیده، بیان، مذهب، هنر، ادبیات، برگزاری اجتماعات و تظاهرات دفاع می‌کنیم و بر تامین حقوق کار، حق اعتصاب و انعقاد قراردادهای دسته جمعی، حق بیکاری و تضمین اشتغال و بر حق هر شهروند در دسترسی به آموزش رایگان، بهداشت، مسکن مناسب، تامین اجتماعی همه‌جانبه و فراگیر شامل بیمه‌های درمانی، بیکاری، از کارافتادگی و توسعه کارآفرینی و توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد جامعه، پای می‌فشاریم.

۱۵. استقرار دموکراسی در کشور، مستلزم تامین برابر حقوقی زنان و مردان است. به باور ما قانون اساسی، قوانین مدنی، کیفری و جزائی، باید برای زنان کشور در همه زمینه‌ها حقوق برابر با مردان را تضمین و با هر گونه اعمال "خشونت علیه زنان"، در حوزه‌های خصوصی و عمومی مقابله نمایند. ما از شکل‌گیری، گسترش و تحکیم "سازمان‌های غیردولتی زنان" و جنبش‌های مستقل زنان حمایت می‌کنیم و تقویت آنها را به سود تامین حقوق و مطالبات زنان و گسترش دموکراسی می‌دانیم.

۱۶. جهان و کشور ما با یک بحران بزرگ زیست‌محیطی روبروست. شرایط حیات در کره زمین بر اثر رشد انفجارگونه جمعیت، تغییرات ناشی از تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو زمین، تخریب اکوسیستم و آلودگی‌های فزاینده محیط زیست، بهره‌برداری غارتگرانه، بدون آینده‌نگری و با نگرش حداکثر سودآوری تولید سرمایه‌داری از منابع طبیعی، استفاده از انرژی فسیلی و الگوی مصرفی موجود، مورد مخاطره جدی قرار گرفته است. در کشور ما از یک سو، منابع طبیعی، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آب‌های زیرزمینی رو به خشکی و کشاورزی و دامداری رو به نابودی است و از سوی دیگر، انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی به ویژه آلودگی هوا، حیات مردم را به طور فزاینده‌ای با خطرات جدی مواجه کرده است. برای خروج از این بحران، کشور ما نیازمند اقدامات بنیادین است.

۱۷. اعمال تبعیضات ملی - قومی در کشور و تمرکزگرایی در آن، از مشخصه‌های جمهوری اسلامی است. چند ده میلیون ترک آذری، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و... از برابر حقوقی ملی محرومند و حق کاربرد رسمی زبان و فرهنگ خود را ندارند. ما با تاکید بر ضرورت اداره امور هر منطقه به دست ساکنان آن، برآنیم که همه شهروندان ایرانی از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار شوند. دولت در ایران موظف است امکانات لازم برای شکوفایی همه زبان‌های کشور را فراهم آورده و به جبران عقب‌ماندگی‌های ناشی از دهه‌ها اعمال تبعیض اقتصادی و فرهنگی برخیزد. برابر حقوقی ملی، لازمه تامین انسجام ملی در کشور و از الزامات دولت دموکراتیک، سکولار و مدرن در کشور است.

۱۸. مبانی سیاست خارجی بر تامین منافع و مصالح ملی، طرفداری از یک سیاست خارجی مستقل مبتنی بر صلح و دوستی میان کشورها، دوستی و همکاری با کشورهای همسایه، عدم تعهد به پیمان‌های نظامی در سطح جهان، مخالفت با دخالت‌ها و تعرضات سیاسی و نظامی از سوی قدرت‌های خارجی در امور داخلی ایران، مبارزه برای برقراری صلح و منع تولید و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی در سطح منطقه و جهان، دفاع از موجودیت دو دولت فلسطین و اسرائیل و حمایت از مبارزات آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه در سراسر جهان استوار است. سیاست خارجی ایران باید در خدمت تولید ثروت و گسترش تجارت قرار گیرد.

پیشنهادها

- در بند ۴ به جای "مخالف سرمایه‌داری" نوشته شود: "ناقد سرمایه‌داری و مناسبات اقتصادی حاکم بر آن"
- در بند ۴ به جای "ما مخالف سرمایه‌داری هستیم" نوشته شود: "ما مخالف سیستم سرمایه‌داری هستیم".

- پیشنهاد اضافه شدن این بند به منشور: "از ویژگی‌های سرمایه‌داری ایران در دوره جمهوری اسلامی، رشد ناموزون، تقویت خصلت تجاری، تشدید رانت‌خواری و فساد، رواج گسترده اقتصاد زیرزمینی، شکل‌گیری بنیادهای خارج از نظارت و کنترل دولت، تبدیل شدن سپاه پاسداران به یک مجموعه بزرگ اقتصادی و کنترل مسقیم و غیرمستقیم بخش مهمی از اقتصاد توسط نهاد ولایت فقیه است. در جمهوری اسلامی بخش مهمی از اقتصاد کشور در دست دولت و نهادهای شبه دولتی رانت‌خوار است"

- پیشنهاد اضافه شدن این بند به منشور: "ما بر تامین رفاه اجتماعی تاکید داریم. ما ضمن حمایت از مالکیت دولت بر واحدهای استراتژیک اقتصادی، مخالف تمرکز قدرت و مالکیت در دست دولت و یا لایه نازکی از جامعه بوده و مدافع سیاست‌های اقتصادی معطوف به شکل‌گیری و گسترش بخش تعاونی و بخش خصوصی مدرن، کارآفرین و رقابتی هستیم.

منشور حزب ...

ادامه از صفحه ۱۶

ما از سرمایه‌گذاری در عرصه های مختلف اقتصاد حمایت می‌کنیم. تلفیق سازوکار برنامه‌ریزی دولتی و بازار و جلوگیری از انحصار و ایجاد فضای رقابتی، به عنوان مکانیزم‌های تنظیم کننده اقتصاد، جزئی از سیاست‌های کلان اقتصادی ما می‌باشد."

- این جمله از بند ۸ حذف شود: "چگونگی گذار از جمهوری اسلامی و کاربست اشکال گوناگون مبارزاتی، به نحوه برخورد جمهوری اسلامی با اراده و خواست مردم برای تغییر ساختار سیاسی بستگی دارد."

- در بند ۱۱ این جمله حذف شود: "گفتمان اصلاحات راهگشا نیست و اصلاح‌طلبان حکومتی نشان دادند که راهکاری برای برون‌رفت کشور از وضعیت بحرانی ندارند. رویکرد بخشی از آنها، حفظ و بسط موقعیت خود در جمهوری اسلامی است. اصلاح‌طلبان حکومتی روند تجزیه میان حفظ نظام و تحول‌خواهی مردم را طی می‌کنند."

و به جای آن نوشته شود:
"اصلاح‌طلبان حکومتی با چالش‌های جدی مواجه شده و نتوانسته‌اند به مطالبات مردم پاسخ گویند. گفتمان اصلاحات احتیاج به یافتن راهکارهای تغییر ساختارها برای راهگشایی اصلاحات دارد."

- در بند ۱۷ به جای "همه شهروندان ایرانی از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار شوند" نوشته شود: "همه شهروندان ایرانی از حق آموزش زبان مادری برخوردار شوند."

- در بند ۱۷ این جمله حذف شود: "و حق کاربرد رسمی زبان و فرهنگ خود را ندارند"

* توضیح در مورد اصلاحات و پیشنهادات کمیسیون منتخب کنگره بر روی منشور مینا: «دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی»

۱. کمیسیون کنگره روی پیشنهادهای دریافتی از جمله پیشنهادهای اعضای کمیسیون کار کرد. حاصل کار کمیسیون و پیشنهادهای آن را در زیر مشاهده می‌کنید.

رنگ قرمز: حذف

رنگ آبی: افزوده

۲. پیشنهاد شده بود که دو جمله در بندهای ۱۰ و ۱۱ حذف شوند. کمیسیون تصمیم‌گیری در مورد ماندن و یا حذف آن دو جمله را به کنگره واگذار کرد که کنگره راساً در مورد آن‌ها تصمیم بگیرد. در متن زیر این دو جمله خط کشیده شده است.

دیدگاه و ارزش‌ها، گذار به دموکراسی

کشور ما نیازمند تحول دموکراتیک در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و توسعه پایدار است. توسعه پایدار مستلزم تامین آزادی و استقرار دموکراسی، غلبه بر فقر و بیکاری و کاهش فاصله طبقاتی است. ما - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (طرفداران وحدت چپ) و کنشگران چپ - در پاسخ به این الزامات، تشکل چپ دموکرات و سوسیالیستی را پی می‌ریزیم.

دیدگاه و ارزش‌های ما

۱. صلح، آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، دموکراسی، برابرقوقی زن و مرد، تنوع سبک زندگی، رفع **ستم** طبقاتی و تبعیض ملی، قومی و مذهبی و حفظ محیط زیست، از اصول پایه‌ای برنامه و جزو ارزش‌های ما هستند. ما از حقوق، منافع و مطالبات کارگران، مزدبگیران و تهیدستان در مقابل تعرض سرمایه دفاع می‌کنیم.

۲. ما طرفدار دموکراسی و مخالف هر گونه استبداد و دیکتاتوری هستیم و حاکمیت را ناشی از اراده آزاد مردم و برای مردم می‌دانیم. به رای و انتخاب آزادانه مردم، به حاکمیت قانون، به محدودیت زمانی قدرت و پلورالیسم سیاسی پای بندیم. ما برای تعمیق و گسترش دموکراسی **نمایندگی انتخابی** به دموکراسی مشارکتی و مستقیم در اشکال مختلف از جمله خودگردانی و خودمدیریتی مبارزه می‌کنیم.

۳. ما جزئی از جنبش جهانی چپ هستیم و ضمن ارج‌گذاری بر دست‌آوردهایش، با نقد نظری و تجربی این جنبش، به این باور رسیده‌ایم که سوسیالیسم و دموکراسی در هم تنیده‌اند. سوسیالیسم مورد نظر ما محصول روندی است آگاهانه برای دستیابی به جامعه مطلوب و انسانی که به مثابه یک فرآیند **با مبارزه اجتماعی علیه بهره‌کشی ایجاد و گسترش ارزش‌های سوسیالیستی و مشارکت نیروهای باورمند به این ارزش‌ها**، شکل می‌گیرد.

سرمایه‌داری و فرآیند جهانی شدن

۴. ما مخالف سرمایه‌داری هستیم و براین باوریم که سرمایه‌داری آخرین نظام اقتصادی - اجتماعی و پایان شکل‌بندی تاریخی و محتوم نیست. تلاش بشریت برای دستیابی به جامعه مطلوب ادامه دارد. تداوم بحران‌های ادواری و ساختاری سرمایه‌داری جهانی همراه با نیاز حیاتی آن به توسعه جهان‌گستر برای سودآوری هر چه بیشتر، از دهه هشتاد سده گذشته مرحله جدیدی را در سرمایه‌داری، همراه با سلطه بیشتر سرمایه مالی، موجب شده است.

۵. ما معتقدیم جهانی شدن، مشخصه اصلی دوران ما است که در همه ابعاد حیات بشری جریان دارد. طی این فرآیند ارزش‌هایی همانند صلح، آزادی، برابری، دموکراسی، حقوق بشر و همبستگی بیش از پیش به ارزش‌های مورد پذیرش در سطح بین‌المللی تبدیل می‌شود. دست‌آوردهای جهانی شدن، می‌توانند در خدمت جامعه بشری و در راستای آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی قرار گیرند و فرصت‌های جدیدی را در اختیار همه قرار دهند. **ما مخالف راسیسم، راست افراطی و جهانی‌سازی نئولیبرالیستی هستیم** که از جانب جریان‌های راست نو، دولت‌های محافظه‌کار، شرکت‌های فراملیتی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که بدون مشارکت، نظارت و مداخله دموکراتیک اکثریت عظیم مردمان جهان و به نفع اقلیت ثروتمند و به زیان اکثریت جامعه بشری به پیش برده می‌شود. ما برای "جهانی بهتر" مبارزه می‌کنیم.

جمهوری اسلامی و گذار از آن

۶. جمهوری اسلامی نظامی است مستبد، سرکوبگر و دشمن حقوق بشر و دموکراسی که در اساس با تکیه به رانت نفتی، اتکا ...

منشور حزب ...

ادامه از صفحه ۱۶

اتکا به ارگان‌های امنیتی، نظامی و تبلیغی به سلطه سیاسی خود تداوم می‌بخشد. جمهوری اسلامی با تلفیق دین و دولت و ساختار مبتنی بر ولایت فقیه و قانون اساسی تبعیض‌آمیز مبتنی بر شیعه اثنی‌عشری، مانع اعمال اراده آزاد مردم و حق انتخاب آنان برای تعیین سرنوشت خویش و سد راه پیشرفت و تحول دموکراتیک در جامعه ایران است.

۷. ما برای گذار از جمهوری اسلامی به یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دولت و دین مبارزه می‌کنیم. گذار از جمهوری اسلامی نیازمند سازمان‌یابی و به میدان آمدن کارگران، مزد و حقوق‌بگیران، تهیدستان، طبقه متوسط جدید و نیروهای آزادی‌خواه و دمکرات است. روش راهبردی ما برای گذار، بر مبارزات دموکراتیک مردم، جنبش‌های اجتماعی، نهادهای مدنی، جنبش دموکراتیک ملیت‌ها و اقوام ساکن ایران، بسیج پایگاه اجتماعی چپ در میان کارگران، زحمتکشان و مزد و حقوق‌بگیران و فرهنگ‌سازان جامعه استوار است. همراهی نیروهای سیاسی آزادی‌خواه می‌تواند با تغییر توازن قوای کنونی، گذار به یک جامعه آزاد و عادلانه را هموار سازد.

۸. تلاش برای نزدیک کردن نیروهای جمهوری‌خواه، دمکرات و سکولار جهت شکل دادن به یک ائتلاف گسترده سیاسی میان آنان برای گذار به دموکراسی، از مولفه‌های اصلی استراتژی سیاسی ماست. سیاست ما در این راستا بر اتحاد گسترده با دیگر نیروهای چپ و سوسیالیست، ائتلاف با نیروهای آزادی‌خواه حول جمهوریت و جدائی دین و دولت است. ما طرفدار مبارزه مسالمت‌آمیز هستیم و از ابتکارات مردم با توجه به شرائط و سطح رشد مبارزات مدنی آن‌ها حمایت می‌کنیم. چگونگی گذار از جمهوری اسلامی و کاربست اشکال گوناگون مبارزاتی، به نحوه برخورد جمهوری اسلامی با اراده و خواست مردم برای تغییر ساختار سیاسی بستگی دارد.

۹. از دیدگاه ما، انتخابات آزاد و منصفانه یکی از قواعد اساسی نظام دموکراتیک است. مبارزه برای برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه به عنوان شعار فراگیر، بسیج‌گر و پوشش‌دهنده نیروهای مخالف و منتقد جمهوری اسلامی، وجهی از استراتژی ماست. انتخابات آزاد و منصفانه مشروط به تامین آزادی فعالیت احزاب مخالف، تشکلهای و انجمن‌ها، آزادی مطبوعات و مبادله اطلاعات است.

۱۰. قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی عمدتاً در دست ولی‌فقیه، سپاه، نهادهای امنیتی و نیروهای راست افراطی به رهبری

ولی‌فقیه متمرکز شده است. ما بر تمرکز مبارزه علیه ولایت فقیه به عنوان رکن اصلی این نظام تاکید داریم. **ما در شکاف موجود بین**

وجه ولایت و جمهوریت نظام، بر تقویت جمهوری‌خواهی تاکید داریم و تعمیق یافتن شکاف‌های درون حکومتی در مواجهه

با مطالبات جامعه را، به سود مبارزه مردم علیه حاکمیت استبدادی می‌دانیم. به باور ما عقب‌نشاندن حکومت در این و یا آن

حوزه به سود روندهای دموکراتیک و تامین مطالبات مردم، گامی است به جلو در مبارزه علیه استبداد دین‌سالار.

۱۱. ساختار سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی راه اصلاحات را مسدود کرده است. گفتمان اصلاحات راهگشا نیست و اصلاح‌طلبان حکومتی نشان دادند که راهکاری برای برون‌رفت کشور از وضعیت بحرانی ندارند. رویکرد بخشی از آن‌ها، حفظ و بسط موقعیت خود در جمهوری اسلامی است. اصلاح‌طلبان حکومتی روند تجزیه میان حفظ نظام و تحول‌خواهی را طی می‌کنند. موضع ما در مورد این جریان نقد نگاه و مواضع آن‌ها است. **ما ضمن تاکید بر تدوین قانون اساسی جدید توسط مجلس موسسان منتخب مردم، تغییرات در**

قانون اساسی موجود در راستای محدود شدن دامنه اختیارات و عملکرد دستگاه ولایت فقیه و نهادهای انتصابی و تغییر در

توازن قوا در جهت تقویت نقش و تاثیر جامعه مدنی و نهادهای انتخابی را مثبت تلقی می‌کنیم.

۱۲. نظام پیشنهادی ما، نظام سیاسی - اجتماعی دموکراتیک در شکل جمهوری است. جمهوری مورد نظر ما مبتنی بر تامین آزادی، حق رای آزاد و همگانی، پایبندی به قانونیت و بر اصل جدائی دولت و دین، تفکیک قوای سه‌گانه، استقلال رسانه‌ها، تناوب قدرت و انتخابی بودن مقامات، نفی حکومت دینی و مسلکی، ساختار سیاسی و اداری غیرمتمرکز و پلورالیسم استوار است. در این جمهوری مذهب و ایدئولوژی رسمی وجود ندارد. همه مذاهب و باورهای مردم مورد احترام است. ما بر انطباق قانون اساسی جدید کشور بر منشور جهانی حقوق بشر و ملحقات آن تاکید داریم. در جمهوری مورد نظر ما، حکم اعدام، شکنجه و مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی ممنوع است.

۱۳. لازمه گذار به دموکراسی و تحکیم آن، گذار از جمهوری اسلامی، انحلال دستگاه‌های ویژه سرکوب مردم، ایجاد تغییرات در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، تامین آزادی و عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است. برای تامین این امر، ضروری است به مالکیت نامتعین واحدهای اقتصادی وابسته به ولی فقیه، سپاه و روحانیت پایان داده شود، مالکیت این واحدها به بخش‌های **دولتی، تعاونی و تولیدی ارزش افزا دیگر اقتصادی** انتقال یابد و دارایی کسانی که ثروت‌های کشور را با رانت‌خواری، فساد و قاچاق غارت کرده‌اند، مورد حسابرسی قرار گیرد.

مسائل برنامه‌ای

۱۴. ما از آزادی سازمان‌یابی گروه‌های اجتماعی، تشکیل سندیکاها، کارگری، تشکلهای صنفی و سازمان‌های غیردولتی و فعالیت آزادانه احزاب سیاسی، آزادی رسانه‌ها، گردش آزادانه اطلاعات و حق دسترسی مردم به آن، آزادی عقیده، بیان، مذهب، هنر، ادبیات، برگزاری اجتماعات و تظاهرات دفاع می‌کنیم و بر تامین حقوق کار، حق اعتصاب و انعقاد قراردادهای دسته جمعی، حق بیکاری و تضمین اشتغال و بر حق هر شهروند در دسترسی به آموزش رایگان، بهداشت، مسکن مناسب، تامین اجتماعی همه‌جانبه و فراگیر شامل بیمه‌های درمانی، بیکاری، از کارافتادگی و توسعه کارآفرینی و توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد جامعه، پای می‌فشاریم.

۱۵. استقرار دموکراسی در کشور، مستلزم تامین برابر حقوقی زنان و مردان است. به باور ما قانون اساسی، قوانین مدنی، کیفری و جزائی، باید برای زنان کشور در همه زمینه‌ها حقوق برابر با مردان را تضمین و با هر گونه اعمال "خشونت علیه زنان"، در حوزه‌های خصوصی و عمومی مقابله نمایند. ما از شکل‌گیری، گسترش و تحکیم "سازمان‌های غیردولتی زنان" و جنبش‌های مستقل زنان حمایت می‌کنیم و تقویت آنها را به سود تامین حقوق و مطالبات زنان و گسترش دموکراسی می‌دانیم.

۱۶. جهان و کشور ما با یک بحران بزرگ زیست‌محیطی روبروست. شرایط حیات در کره زمین بر اثر رشد انفجارگونه جمعیت، تغییرات ناشی از تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو زمین، تخریب اکوسیستم و آلودگی‌های فزاینده محیط زیست، بهره‌برداری غارتگرانه، بدون آینده‌نگری و با نگرش حداکثر سودآوری تولید سرمایه‌داری از منابع طبیعی، استفاده از انرژی فسیلی و الگوی مصرفی موجود، مورد مخاطره جدی قرار گرفته است. در کشور ما از یک سو، منابع طبیعی، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آب‌های زیرزمینی رو به خشکی و کشاورزی و دامداری رو به نابودی است و از سوی دیگر، انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی به ویژه آلودگی هوا، حیات مردم را به طور فزاینده‌ای با خطرات جدی مواجه کرده است. برای خروج از این بحران، کشور ما نیازمند اقدامات بنیادین است.

۱۷. اعمال **ستم تبعیضات** ملی، قومی در کشور و تمرکزگرایی در آن، از مشخصه‌های جمهوری اسلامی است. چند ده میلیون **ترک آذری آذربایجانی**، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و... از برابر حقوقی ملی محرومند و حق کاربرد رسمی زبان و فرهنگ خود را ندارند.

...

آلترناتیو نظامی و "رضاخان مصلح"، راه برون رفت از وضعیت بحرانی کشور نیست بهرورز خلیق



یادداشت سیاسی کارآنلاین

جمهوری اسلامی با رشته درهم پیچیده‌ای از بحران‌ها دست و پنجه نرم می‌کند. بحران‌هایی که طی دهه‌ها استمرار یافته و با هم گره خورده‌اند. حکومتگران سال‌ها این بحران‌ها را انکار و از مدیریت انقلابی صحبت می‌کردند و جمهوری اسلامی را به عنوان الگوی مطلوب جا می‌زدند. رویدادهای یک سال گذشته و به ویژه خیزش اعتراضی مردم در دیماه سال گذشته بخشی از حکومتگران را وادار کرد که به واقعیت بحران‌ها اعتراف کنند، به ناتوانی حکومت برای حل مشکلات کلان کشور پی ببرند، و به این دریافت برسند که ادامه وضع موجود کشور را به فروپاشی و تجزیه می‌کشاند. آن‌ها بدنبال آلترناتیو برای وضع موجود هستند.

جمهوری اسلامی واجد آلترناتیوهای درونی بود که در دهه‌های گذشته از آن بهره گرفت و به حیات خود ادامه داد. اما اکنون فاقد آلترناتیوی برای وضع موجود است که بتواند نظر گروه‌های وسیعی از جامعه را جلب کند. این امر را ابراهیم فیاض جامعه‌شناس و استاد دانشگاه که جزو اصولگرایان است، درک کرده است. او می‌گوید: "اقتداری دیگر در حوزه سیاسی وجود ندارد و ادامه یافتن این وضعیت کشور را به فروپاشی و تجزیه می‌کشاند."

مدتی است که زمزمه‌های یک "رئیس جمهور نظامی" در فضای سیاسی ایران مطرح می‌شود. گروهی از اصولگرایان آلترناتیو وضع موجود را نه در حوزه سیاسی، بلکه در حوزه نظامی می‌جویند. آن‌ها براین نظرند که در شرایط بحرانی حفظ امنیت داخلی از "اوجب واجبات" است و این اوجب فقط با روی کارآمدن یک چهره نظامی ممکن خواهد شد. طراحان ایده رئیس‌جمهوری نظامی کسانی‌اند که یا پیشینه نظامی دارند و یا آبخشور سیاسی، فکری و اجتماعی‌شان با حوزه نظامی یا امنیتی و شبه‌امنیتی گره خورده است.

محمدعلی پورمختار نماینده فعلی مجلس که سابقه طولانی حضور در سپاه و ناجا با سمت‌های فرمانده و مدیریت‌های ارشد دارد، اولین فردی بود که بعد از خیزش دیماه ایده رئیس‌جمهوری نظامی را پیش کشید. او به خبرآنلاین گفته بود: "رسانه‌ها این را تشدید می‌کنند و گسترش می‌دهند که نظامی‌ها نباید رئیس‌جمهور شوند، من اعتقاد دارم که اگر یک نظامی رئیس‌جمهور شود، حتما می‌تواند کشور را از مشکلات نجات بدهد." او در پاسخ به این سؤال که یعنی باید منتظر باشیم یک نظامی رئیس‌جمهور شود؟ گفته بود: "ان‌شاءالله".

حسین الله‌کرم از پایه‌گذاران انصار حزب‌الله که سابقه سال‌ها حضور در جنگ را دارد، می‌گوید: "اینکه یک نفر با سابقه نظامی می‌تواند کشور را نجات دهد، به مقطع زمانی و وضعیت کشور بستگی دارد. معتقدم امروز ایران یک قدرت منطقه‌ای است و اگر وظایف خود را انجام ندهد تجزیه می‌شود... یک فرد نظامی استراتژیک برای این کار شایسته‌تر است... ابراهیم فیاض هم به نام‌نیوز گفته است: "... من می‌خواهم بگویم الان چیزی که در جهان دارد رخ می‌دهد، در ایران هم رخ می‌دهد و آن این است که مردم دیکتاتوری می‌پسندند؛ چون شرایط ایجاب می‌کند..."

اقتداری دیگر در حوزه سیاسی وجود ندارد و ادامه یافتن این وضعیت کشور را به فروپاشی و تجزیه می‌کشاند برای همین جامعه به سمت دیکتاتوری با ادبیات نظامی می‌رود". او می‌گوید در دیکتاتوری برنامه منسجم برای نوسازی جامعه وجود دارد، مثل ناپلئون، هیتلر، رضاشاه و احمدی‌نژاد.

نیروهائی که پیشینه و ریشه نظامی و امنیتی دارند بدنبال "رضاخان حزب الهی"، "رضاخان مصلح" و یا رئیس‌جمهور نظامی هستند. آن‌ها بر این تصور باطل هستند که گویا دیکتاتور نظامی می‌تواند جمهوری اسلامی را از فروپاشی نجات دهد. این امر هم نشانه بن‌بست جمهوری اسلامی است و هم علائمی از خیز برداشتن نظامی - امنیتی‌ها برای قبضه تمام قدرت. پیش کشیدن ایده رئیس‌جمهور نظامی و "رضاخان حزب الهی" توسط کسانی که سابقه نظامی - امنیتی دارند، نشان‌دهنده طرح این ایده در میان فرماندهان سپاه و ارگان‌های امنیتی است. حامیان این ایده نجات جمهوری اسلامی را در جنگ انداختن فرماندهان سپاه به قوه مجریه و کسب تمام قدرت می‌دانند.

اما معلوم نیست که رئیس‌جمهور نظامی چگونه می‌تواند بر بحران‌های موجود غلبه کند. با کدام برنامه و با کدام ابزار و امکان؟ سپاه و ارگان‌های امنیتی خود در ایجاد بحران‌ها، تشدید و تداوم آن‌ها نقش دارند و بخشی مهمی از قدرت دست آن‌هاست. چگونه آن‌ها می‌توانند بحران را حل کنند و جمهوری اسلامی را نجات دهند.

برون رفت از وضعیت بحرانی کشور و خروج از بن‌بست، مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و تغییر قانون اساسی است. آلترناتیو وضع موجود گذار از جمهوری اسلامی به دموکراسی است. برای گذار به دموکراسی همکاری و اتحاد نیروهای جمهوری‌خواه، دموکرات و سکولار و پیوند یافتن آن با خیزش اعتراضی مردم امری است ضرور.

آیا جز یک "نرمش قهرمانانه" دوم، راه دیگری هست؟

صادق کار



یادداشت سیاسی کارآنان

در چند هفته اخیر تهدید و فشار علیه جمهوری اسلامی دم به دم افزایش یافته است. دولت های آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی با تشکیل ائتلافی که رهبری آن را ترامپ به عهده دارد. با فشار و تهدید در تلاشند با استفاده از نفوذ سیاسی و مالی واهره هایی که در اختیار دارند مانع اجرای برجام شوند و با همراه نمودن کشورهای دیگر علاوه بر فراهم نمودن مقدمات لغو و یا گنجاندن شروط خود در قرارداد برجام، مقدمات عقب نشینی جمهوری اسلامی از کشورهای منطقه را نیز فراهم کنند و در این راه به موفقیت های هم دست یافته اند. فاصله گیری لبنان و عراق دو کشوری که حوزه نفوذ جمهوری اسلامی هستند، نمونه هایی از این موفقیت ست که نشان می دهد ممکن است هرچه را که حکومت با ده ها میلیارد هزینه رشته، پنبه کند. بعد از برجام بسیاری از تحریم های مرتبط با برنامه هسته ای رسماً لغو شدند و دولت پیشین آمریکا نیز تا حدود زیادی به برجام پایبند بود ولی بعد از انتخاب ترامپ، اخلاص در اجرای برجام شروع شد. تحریم ها بعد از برجام حداقل در روی کاغذ لغو نشده اند، ولی در عمل کمتر به آن پایبندی نشان داده می شود و بهمین جهت آثار منفی آن را می توان از جمله در بالا رفتن نرخ ارزهای خارجی و سقوط فزاینده ارزش ریال ملاحظه کرد. جوی بوجود آورده اند که بانکهای خارجی به سبب نگرانی از تحریم آمریکا ردوبدل کردن پول با ایران را به حالت تعلیق درآورند و به تبع آن ادامه مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای دیگر را دشوارتر از پیش کرده اند. حکومت نیز در این میان با نمایش های موشکی، تشکیل نیروهای شبه نظامی در عراق و سوریه و... حکم جاده صاف کن ائتلاف ضد ایرانی تحت رهبری ترامپ را داشته است.

در داخل نیز حکومت علاوه بر ناکارآمدی با اعتراضات وسیع توده ای و شکاف درونی مواجه است و بقای خود را در معرض تهدید می بیند. در مقابل فشارهای خارجی شروع به عقب نشینی های گام به گام نموده اما سرکوب در داخل را تشدید کرده است. محمد جواد ظریف این روزها از هیچ فرصتی برای ارسال پیام آشتی و رفع اختلافات از طریق مذاکره کوتاهی نمی کند، مدتی است که دیگر خبری از آزمایشات موشکی نیست و خامنه ای هم در سخنرانی نوروزی اش ترجیح داد سکوت کند و واکنشی نسبت به حملات تند در پیام نوروزی ترامپ نشان ندهد. دامنه اعتراض به دخالت های حکومت در سوریه و لبنان که پیش از این از طرف نیروهای اپوزیسیون و سازمان ما می شد اینک به روزنامه های همچون "جمهوری اسلامی" نیز تعمیم یافته و این روزنامه نیز به صف مخالفان این دخالتها پیوسته است. در این میان دولت امید زیادی به حمایت اروپا بسته بود که اروپا هم به رغم تمام اختلافات و مخالفت هایی که با آمریکا بر سر برجام و مناسبات بین المللی دولت ترامپ دارد به نظر نمی رسد در مقابل فشارهای آمریکا مقاومتی در حد انتظارات جمهوری اسلامی نخواهد کرد. چین و روسیه هم با اینکه مخالف لغو و تجدید نظر در برجام هستند به نظر نمی رسد در این خصوص کار زیادی از دستشان بر آید.

خلاصه کلام اینکه حکومت در موقعیتی قرار ندارد که بتواند در مقابل این فشارها مقاومت کند و خامنه ای به ناگزیر باید با خودش را برای یک "نرمش قهرمانانه" دیگری آماده کند و یا تن به یک رویارویی خطرناک احتمالی نظامی بدهد. از سوی دیگر باید در نظر داشت که ترامپ در عمل نشان داده است که به تعهداتش کمتر پایبندی نشان می دهد و شخصیتی غیر قابل پیشبینی و اشتباهی سیری ناپذیر دارد و حد و حدود انتظاراتش نامعلوم است. به نظر می رسد که رژیم این عقب نشینی را پذیرفته اما مشکلی که وجود دارد این است که هزینه عقب نشینی بسیار بالاست و شرایط آن را ترامپ و متحدین اش می خواهند تعیین کنند و ظاهراً به کمتر از رها کردن "عمق استراتژیک" حکومت راضی نیستند. هم از این روست که درخواستهای آشتی جویانه ظریف با استقبال چندانی مواجه نمی شود. تنها امید جمهوری اسلامی در این میان میانجیگری اروپا و یا اتحاد استراتژیک با روسیه است که البته در صورت عملی شدن هر یک از آنها نتایج متضادی را در پی خواهد داشت، و بعید است آنها هم بتواند ترامپ و متحدین اش را وادار به گذشت از شرایط شان کند.

در هر صورت به نظر می رسد که مردم ایران باید باز هم تاوان سنگین تری برای ماجراجویی های نظامی و دخالت های نظامی زیانبار جمهوری اسلامی و رقابت های حریصانه قدرت های جهانی و منطقه ای بر سر نفوذ در منطقه بپردازند. اما اگر جمهوری اسلامی نیروهایش را از سوریه بیرون بکشد در آن صورت هم شانس اجتناب از درگیری نظامی کاهش خواهد یافت و هم زمینه برای مذاکره فراهم تر خواهد شد و میدان مانور ترامپ و متحدین محافظه کار و چنگ طلب وی محدود تر خواهد شد. در هر صورت نیروهای دمکراتیک و عدال خواه مخالف دخالت هر کشوری در امور کشورهای دیگر بوده و خواهان بیرون کشیدن نیروهای نظامی ایران از سوریه و حل اختلافات از طریق مذاکره و پذیرش حق حاکمیت ملت ها و به تبع آن مخالف هر دخالت احتمالی بیگانگان به کشورمان هستند. متأسفانه تا جمهوری اسلامی وجود دارد خطر جنگ و تهدیدات خارجی در کشور ما منتفی نیست.

«جهانی دیگر، جهانی بهتر» ممکن است، اگر متحداً تلاش کنیم

در محکومیت حمله آمریکا و متحدانش به سوریه!

بحران سوریه راه حل نظامی ندارد!

حملات موشکی ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه، به مراکزی در سوریه اوضاع در این کشور را بحرانی تر کرده است. این حملات با توجیه واکنش به حمله شیمیایی به «دوما» انجام گرفت، حتی به بازرسان سازمان بین‌المللی منع سلاح‌های شیمیایی نیز فرصت نداد که کار خود را آغاز کنند. با این حمله، عملاً فعالیت هیئت حقیقت‌یاب اعزامی از سوی سازمان بین‌المللی منع سلاح‌های شیمیایی به سوریه بی‌اهمیت شد.

آسیب‌شناسی بحرانی که سوریه امروز درگیر آن است، نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه رویدادهای جهان و بخصوص خاورمیانه است. اما می‌توان گفت که از هفت سال پیش تاکنون که اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم علیه دیکتاتوری بشار اسد، به خاک و خون کشیده شد، تحولات در سوریه با دخالت کشورهای خارجی که هر یک منافع خود را دنبال می‌کنند، مسیری دیگر در پیش گرفت. اعتراضات مردم علیه دیکتاتوری و برای آزادی با دخالت کشورهای خارجی به جنگ داخلی کشیده شد. در این منازعات در یک طرف رژیم دیکتاتوری بشار اسد و متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی آن مانند ایران و روسیه و در طرف دیگر گروه‌های جهادی و اسلامی مانند النصر و داعش و دولت‌های عربستان، قطر، ترکیه، آمریکا و متحدان اروپایی او قرار داشتند. کنترل داعش بر بخشی از سوریه و نیز عراق زنگ خطر را برای همه به صدا در آورد. جنگ علیه داعش صف‌بندی‌های جدیدی را ایجاد نمود. اکنون و بعد از شکست دولت اسلامی «داعش» توازن متفاوتی در این جنگ شکل گرفته است. رژیم اسد با کمک روسیه و ایران از موقعیت بهتری برخوردار شده و بخش مهمی از کشور را به کنترل خود در آورده است. دولت آمریکا و متحدانش نقاط اتکای زیادی در داخل سوریه ندارند. حملات اخیر قبل از همه با هدف تغییر توازن موجود نیروها در سوریه به نفع ایالات متحده آمریکا و متحدان آن صورت گرفته است.

حملات اخیر آمریکا، بریتانیا و فرانسه برخلاف ادعای این دولت‌ها، کمکی به پایان دادن به جنگ در سوریه نمی‌کند. این حملات نه در جهت صلح در سوریه است و نه آن طور که آمریکا و متحدینش مدعی هستند، برای متوقف کردن استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ سوریه بوده است. این حملات به آوارگی و کشتار و ویرانی بیشتر در سوریه دامن می‌زند. اکنون نیمی از جمعیت سوریه بی‌خانمان است. شهرهای بزرگ ویران شده‌اند. صدها هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند. آن چه که مردم سوریه نیاز دارند بمباران و جنگ بیشتر نیست، صلح و توقف بمباران‌ها و امکان بازگشت بر سر خانه و کاشانه خویش است. این کار زمانی امکان‌پذیر است که جامعه بین‌المللی بتواند جنگ را متوقف کند و امکان صلح و مراجعه به مردم برای تعیین سرنوشت آینده کشور را مهیا کند. این امر بدون توافق بر سر میز مذاکره ممکن نیست.

از همان روز که جنگ و خونریزی مردم سوریه ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کرد، عملاً اپوزیسیون دمکرات، سکولار و صلح طلب سوریه به انزوا کشانده شد، جنگ سالاران مورد حمایت غرب و دول مرتجع منطقه از یک سو و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی رژیم اسد، میدان را در دست خود گرفتند، جهنم جنگی ویرانگر را بر مردم سوریه تحمیل نمودند و صدای همه نیروهای دمکرات و صلح طلب داخلی و بین‌المللی که خواهان پایان جنگ و کشتار بودند و حل مسئله سوریه را از طریق مذاکره و با دخالت سازمان ملل ممکن می‌دانستند، در غرش تانک‌ها و بمباران‌های ویرانگر طرفین گم شد. هنوز مردم سوریه تاوان حیات رژیم جنایتکار اسد و منافع آزمندانة قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای را پس می‌دهند.

ما حمله آمریکا و متحدانش به سوریه، هم‌چنین حمله شیمیایی را به عنوان یک اقدام جنایتکارانه - صرفنظر از این‌که از جانب کدام طرف باشد - محکوم می‌کنیم. به باور ما با ادامه بمباران‌ها، نمی‌توان به صلح دست یافت. برای صلح در سوریه ضروری است که بمباران‌ها و لشکرکشی‌ها به سوریه متوقف شود و با ایجاد شرائط تصمیم‌گیری آزادانه مردم سوریه، رژیم اسد به رای و اراده مردم گردن بگذارد و قدرت را به منتخبین مردم واگذار کند. تنها با آتش‌بس و صلح واقعی است که مردم سوریه از جنگ و خونریزی بیشتر نجات پیدا خواهند کرد. همه طرفین ذینفع و نیروهای درگیر در سوریه باید از طریق مذاکره به استقرار صلح در این کشور و بازسازی آن کمک کنند و به دخالت در آن پایان دهند تا سرنوشت سیاسی سوریه توسط مردم آن در یک انتخابات آزاد و دمکراتیک تعیین شود.

هیئت موقت موضعگیری سیاسی

حزب چپ ایران (فداییان خلق)

۲۷ فروردین ۱۳۹۷ (۱۶ آوریل ۲۰۱۸)

سالگرد یادمان ۹ سرو آزاده که برفراز تپه های اوین به خاک افتادند!

یداله بلدی



روز ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ نه تنها برای اعضا و هواداران جنبش فدایی، بلکه برای تمام آزادیخواهان و عدالتخواهان روزی فاجعه بار است، زیرا در این روز ۹ نفر از مبارزترین و اندیشمندترین زندانیان سیاسی، برفراز تپه های اوین، با رگبار مسلسل شکنجه‌گران ساواک بخاک افتادند. زندان اوین که در دامنه کوهپایه‌های البرز و در جوار دهکده زیبای اوین قرار دارد، در ۵۰ سال اخیر در زمره یکی از مخوفترین زندان‌های جهان بشمار می‌رود، که شهرت آن بعنوان نماد شکنجه از مرزهای کشور نیز فراتر رفته است. زندان اوین در اواخر دهه ۴۰ ساختمان آن باتمام رسید، و از آغاز تاکنون شاهد اسارت، شکنجه و اعدام هزاران مبارز بوده است. این زندان فعالیت خود را با بزنچیر کشیدن و شکنجه بنیانگذاران جنبش فدایی و جنبش مجاهدین آغاز کرد، اکنون نیز پس از گذشت نیم قرن، هنوز اسارتگاه و شکنجه‌گاه آزادگان است.

زندان اوین در روزهای اول انقلاب، مورد بازدید مردم قرار گرفت، و آرزوی مردم این بود، که این شکنجه‌گاه تبدیل به موزه شود، و بعنوان نمادی از مقاومت و اعدام آزادیخواهان و بیدادگری رژیم شاه در معرض دید همگان قرار گیرد، اما این آرزو نه تنها تحقق نیافت، بلکه دیری نپایید، که در نظام جمهوری اسلامی، ابعاد شکنجه‌های طاقت‌فرسا از رژیم پیشین فراتر رفت و تعداد زندانیان و اعدام‌ها نیز بمیزان هولناکی افزایش یافت، چنانکه این زندان هنوز همچنان بعنوان نماد بیداد و کشتارگاه رژیم است.

یکی از فراموش ناشدنی‌ترین جنایاتی که در این زندان بوقوع پیوست، کشتار هفت نفر از بنیانگذاران جنبش فدایی و دو عضو برجسته سازمان مجاهدین خلق بود. در واپسین روزهای فروردین که زیبایی‌های بهار جلوه‌گر می‌شود این فرزندان مبارز میهن با مسلسل شکنجه‌گران ساواک بخاک افتادند.

براساس اعتراف تهرانی شکنجه‌گر ساواک، طرح این جنایت توسط پرویز ثابتی مدیرکل امنیت داخلی تهیه شده بود، و در ظهر روز ۳۰ فروردین ۵۴ در رستوران امریکا در خیابان تخت جمشید عملیات اجرایی آن بوسیله حسین زاده سرجلاد ساواک برای اجرا برای بقیه شکنجه‌گران تشریح می‌شود، و بعد از ظهر همانروز این نقشه جنایتکارانه اجرا می‌شود و این ۹ مبارز با مسلسل شکنجه‌گران ساواک بخاک افتادند و جاودانه شدند.

وابستگان رژیم سابق و خود پرویز ثابتی طراح این جنایت هنوز ارتکاب چنین جنایتی را انکار می‌کنند، و چنین وانمود می‌کنند که این عده درحین فرار کشته شده‌اند. علت کشتار این زندانیان در حالیکه قبلا به زندان‌های طولانی مدت محکوم شده بودند را در چند علت می‌توان یافت. اول اینکه با تاسیس حزب رستاخیز مرحله دیگری از فشار باید در درون زندان‌ها آغاز می‌شد، و انتخاب این رهبران زندانی برای این هدف شوم تلاشی بود تا فضای مقاومت را در زندان‌ها درهم شکنند، چنانکه همان‌شب پس از خواندن اخبار روزنامه‌ها و آگاه شدن زندانیان از واقعه و سکوت مطلق آنان در اعتراض باین جنایت، چند نفر از زندانیان را زیر رگبار شلاق گرفتند. دوم اینکه نقش برجسته این عده در سازماندهی مبارزات و ارتباط با مبارزین خارج از زندان، بویژه بیژن جزنی برای ساواک محرز بود. سوم اینکه با این کشتار می‌خواستند فضای رعب و وحشت را در جامعه ایجاد کنند و از پیوستن جوانان به جنبش مسلحانه جلوگیری کنند. جنایات بی‌شمار جمهوری اسلامی نمی‌تواند، جنایات رژیم پیشین را بفراموشی بسپارد. یاد زنده‌یادان بیژن جزنی، عباس سورکی، عزیز سمردی، محمد چوپانزاده، احمد جلیل افشار، حسن ضیاطریفی، مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار جاودانه باد.

گرامی باد نام و یاد جانبختگان مبارزه در راه رسیدن به ایرانی آزاد و آباد!

ضرورت یک بازی برد - برد در خاورمیانه فرخ نعمت‌پور



حمله به سوریه از طرف غرب، علاوه بر اینکه یکی از اهدافش حفظ تعادل نیرو با روسیه و ایران بود، اما از طرف دیگر با خود حاوی پیام هشدار شدید به جمهوری اسلامی هم بود. اینکه غرب نفوذ بیش از این ایران را در منطقه برنمی‌تابد و ایران باید حدود و ثغور خودش را بداند.

ظاهراً جواب ایران به این حمله و هشدار، ادامه همان سیاست کنونیست. سخنان خامنه‌ای در جنایتکارخواندن رهبران آمریکا، انگلیس و فرانسه بخوبی موید این امر است. اما این تنها یک برخورد کلامی بود. ایران، هرچند گفته می‌شود که عملیات غرب با هماهنگی روسها بوده، عملاً هیچ واکنش نظامی نداشته و آنچه بعنوان واکنش انجام شد، عبارت بود از شلیک پدافند هوایی ارتش سوریه به موشکهای پرتاب شده به اهداف نظامی و غیر نظامی در این کشور. ادعای سرنگون کردن بیش از هفتاد موشک، جواب عملی ائتلاف ایران، روسیه و سوریه به این حملات بود.

در ادامه این سناریو، دو احتمال وجود دارد: احتمال ادامه حملات چنانکه نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت و یا احتمال گفتگو با ایران و روسیه چنانکه ترامپ گفت. پس هدف از حمله هم حفظ توازن قوا بود و هم فشار بر حریف برای بازکردن دروازه گفتگو. البته از طرف ایران مدتهاست که از زبان وزارت خارجه و شخص ظریف پیام مذاکره برای حل مشکلات خاورمیانه صادر می‌شود، پیامهایی که هیچ وقت جدی گرفته نشدند.

ترامپ علیرغم داد و قال های جنگ طلبانه‌اش، اما تجربه رفتار با کره شمالی نشان می‌دهد اهل معامله است. اگر دقت کنیم در پیامش در مورد تماس با ایران هم از احتمال گفتگو و یا از عدم احتمال آن می‌گوید. ترامپ به این شکل برخورد می‌کند چونکه هنوز از تاثیر و پیامدهای رفتارش در مورد سوریه نامطمئن است. شاید بیشتر بدین علت که منتظر بود ببیند واکنش ایران چگونه است.

علی خامنه‌ای تند برخورد کرد، اما باز این تندی به معنای احتمال نرمش قهرمانانه دیگری نیست. زیرا که هم مسئله حفظ برجام مهم است و هم اینکه سوریه واقعا به باتلاقی برای همگان مبدل شده.

منطقه همانند 'برجام' به یک بازی برد برد دیگر نیز دارد. با امید اینکه جرقه‌های میل به گفتگو به واقعیت تبدیل شوند و سایه یک جنگ شوم فراگیر از سر منطقه خاورمیانه و جهان به کل دور شود.

پیروزی همگانی

علی پورنقوی

در نخستین ساعات روز شنبه، ۱۴ آوریل، نیروهای هوایی آمریکا، بریتانیا و فرانسه به وعده خلاف حقوق بین المللی ترامپ، دایر بر "تنبیه بنشار اسد به خاطر استفاده از سلاحهای شیمیایی" عمل کردند و چندین مرکز را در خاک سوریه آماج متجاوز از صد موشک قرار دادند. در روزهای پیشتر از این اقدام، ترامپ این "انتظار" و هراس را برانگیخته بود که با شدت عمل بسیار سنگین تری اقدام خواهد کرد و حتی روسیه را نیز مصون ندانسته بود که آماج موشکهای "زیبا" خود قرار دهد. در عین حال لقلقه کلام ترامپ به این گمان میدان داده بود که او جسارت عمل ندارد و از حرف فراتر نخواهد رفت. پس از انجام عملیات:

- **ترامپ**، که زیباشناسی جنایتکارانه اش از اطلاق زیبایی به بمب و موشک فراتر نمی‌رود، عملیات را کامل، که بهتر از آن ممکن نبود توصیف کرد و به این ترتیب، به عنوان کسی که پای حرف اش است، تظاهر به پیروزی کرد.
- **پوتین** احتیاط مشهود آمریکا در انتخاب اهداف موشک باران را دستمایه زبانی سخت در محکومیت این اقدام کرد و این واقعیت را که اهداف موشک بارانها چنان انتخاب شده بودند که لطمه ای متوجه روسها نشود، قرینه ای برای اعلام پیروزی خود قرار داد.
- **بشار اسد** که لایذ انتظار عملیات سنگین تری را داشت، حضور "قرین آرامش" خود در دفتر کارش را ویدئویی کرد و نشان داد که "هیچ طوری نشده است" و به این ترتیب لاف پیروزی زد.
- **ماکرون**، که به نظر می‌رسد سودای احیای تصویر فرانسه به عنوان بازیگر عرصه های بزرگ را دارد، از مشارکت در یک "بازی بزرگ" احساس پیروزی کرد.
- **ترزا می**، که اگر تجسمی از افول و ناچاری لازم آید، می‌توان به او متوسل شد، از موشک پرانی بی افتخاری که به فرمان او انجام شده بود، سکوتی برای عروج دست و پا کرد.
- **و خامنه ای** در قامت "سردار میدانهای سرپوشیده ایمن" حس حقارت ضدغربی خود را با جنایتکار خواندن ترامپ و ماکرون و می‌تشفی داد.

همه پیروز اند. و بازندگان اصلی: مردم سوریه

گزارش کنگره ...

ادامه از صفحه ۱۲

کنگره پیامهایی داشت از سوی دوستان درونمرز چشم به راه نتیجه کار کنگره و نیز جوانی چونان همکار نزدیک تدارک فنی کنگره، که فزاینده‌ای از آنها در صحن کنگره قرائت شد و مورد توجه و ابراز احساسات کنگره قرار گرفت. پیامهایی هم از اعضای کنگره و مهمانان و شخصیت‌هایی که به دلایل موجه نمی‌توانسته‌اند در کنگره حضور یابند دریافت شده بود، که هیئت رئیسه با اعلام نام پیام دهندگان از آنان صمیمانه قدردانی کرد.

پیام‌های رسیده از تشکلهای سیاسی طی روزهای آتی منتشر خواهند شد.

۱۲) جشن و قدردانی

کنگره بنیانگذار حزب چپ ایران (فدائیان خلق) یقین داشت که موفق می‌شود و هم از این رو پیشاپیش برگزاری مراسم جشن پیروزی اراده و امید را تدارک دیده بود. این جشن در شامگاهان روز دوم کنگره با هلهله همگانی و پایکوبی‌ها و هنرنمایی دگر باره گروه هنری "پیدا" با همراهی یار دیرینه فدائیان بانو "بهرخ بابایی" آغاز شد و تا پاسی از شب ادامه یافت. در متن این جشن شبانه، پیوندهای بازیافته متکی بر خرد و حس مسئولیت متجلی در طول روز کار کنگره، با ساروج عاطفه مستحکم‌تر شد و این زایش نوین در سپهر سیاسی ایران دلها را آکنده از شادی نمود و گرما بخشید.

آخرین کلامهایی که از سوی هیئت رئیسه کنگره در آن دقایق پایانی کار سه روزه کنگره ابراز شد چیزی نبود مگر فشرده سخنانی که بارها و بارها در جریان کار رسمی کنگره بیان شد و بیشتر از صحن کنگره، در نجاوها و گفت و شنیده‌های گوشه و کنار کنگره به گوش می‌رسید:

سیاس از این همه زحمت!

قدردانی بخاطر ایستادگی همگی بر سر هدف و پیمان، سپاسگزاری از همه اعضای کنگره که در این مدت کار کردند، رنج بردند و از خود و خانواده خویش مایه گذاشتند تا تلاش برای وحدت به بار بنشیند. تشکر از همه رفقای که طی این روند چندین ساله با پذیرش مسئولیت‌های مشخص بار سنگین رسیدن به این کنگره را بر دوش کشیدند. تقدیر از دوستانی که از برشمرده شدن ضعف‌های کار و انتقادهای وارده بر پیشبرد امور باز نایستادند. ابراز سپاس نسبت به رفقای زحمتکشی که کار طاقت‌فرسای تدارک فنی کنگره را بر عهده داشتند و توانستند وظیفه محوله را به نحو احسن پیش ببرند. ارج نهادن زحمت رفقا و دوستان فیلمبردار، گردانندگان سیستم برقراری ارتباط مجازی با علاقمندان بیرون از کنگره تا رفقای مبتکر تجهیز باز هم بیشتر تجمع‌های حزبی ما به نوآوری‌های فنی روز که این بار خود را در استفاده از شیوه دیجیتال در رای‌گیری‌ها نشان داد. این ابتکار، کمک شایانی بود به کنگره‌ای که نسبت به عدم تناسب تنگنای وقت با دستور کار حجیم ناگزیر خود، نگرانی‌هایی داشت.

کنگره بر سپاسگزاری خود از هر کوشنده خویش در خدمت به تحقق هدف جمعی، تاکید مکرر کرد.

با امید به برآورده شدن و به بار نشستن رویاهایی که حزب چپ ایران (فدائیان خلق) در باور به آنها تولد یافته و با آرزوی گام برداشتن‌های شتابان رو به پیش در راستای ایفای نقش شایسته سیاسی در سپهر سیاسی کشور.

هیئت رئیسه کنگره بنیانگذار حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۲۴ فروردین ماه ۱۳۹۷ برابر با ۱۳ آوریل ۲۰۱۸

منشور حزب ...

ادامه از صفحه ۱۸

ما با تاکید بر ضرورت اداره امور هر منطقه به دست ساکنان آن، برآنیم که همه شهروندان ایرانی از حق تحصیل به زبان مادری برخوردار شوند. دولت در ایران موظف است امکانات لازم برای شکوفایی همه زبان‌های کشور را فراهم آورده و به جبران عقب‌ماندگی‌های ناشی از دهه‌ها اعمال تبعیض اقتصادی و فرهنگی برخیزد. برابر حقوقی ملی، لازمه تامین انسجام ملی در کشور و از الزامات دولت دموکراتیک، سکولار و مدرن در کشور است. **به نظر ما فدرالیسم یکی از اشکال مناسب برای عدم تمرکز و رفع ستم ملی است.**

۱۸. مبانی سیاست خارجی برتامین منافع و مصالح ملی، طرفداری از یک سیاست خارجی مستقل مبتنی بر صلح و دوستی میان کشورها، دوستی و همکاری با کشورهای همسایه، **مقاله با**

سیاست‌های امپریالیستی در منطقه و در سطح جهان، عدم تعهد به پیمان‌های نظامی در سطح جهان، مخالفت با دخالت‌ها و تعرضات سیاسی و نظامی از سوی قدرت‌های خارجی در امور داخلی ایران، مبارزه برای برقراری صلح و منع تولید و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی در سطح منطقه و جهان، دفاع از موجودیت دو دولت فلسطین و اسرائیل و حمایت از مبارزات آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه در سراسر جهان استوار است. سیاست خارجی ایران باید در خدمت تولید ثروت و گسترش تجارت قرار گیرد.

آدرس پستی:

L.G.e.v

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

شماره حساب بانکی:

L.G.e.v دارنده حساب بانکی:

شماره حساب: ۲۳۴۴۲۰۲۲

کد بانک: ۲۷۰۵۰۱۹۸

نام بانک:

Stadtsparkasse Köln-Bonn

IBAN: DE33 37050198 0022 442032

SWIFT-BIC: COLSDE33

بولتن کارگری شماره ۲۳۱

در این شماره می‌خوانید:

- تحلیل هفته: "حزب چپ ایران (فدائیان خلق)" گامی به سوی همبستگی در جنبش کارگری

- از تجربه دیگران: چارچوب قانونی برای "اتحادیه‌های صنفی اتیوپی" در یک دیدگاه تاریخی (بخش ششم)

- دیگر کشورها: کمیسیون‌های کارگری اسپانیا - پیگرد و دستگیری لولا داسیلوا را محکوم می‌کنیم!

- اطلاعیه: موازی سازی تشکل‌ها؛ روش نخ نمای نهاد های امنیتی

- یادداشت منتخب: آماده شویم

- گزارش: کارگران مرز قصر شیرین؛ با روزی ۵ هزار و ۸۰۰ تومان دستمزد

- تیترا اخبار

گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آدرس تماس با پست الکترونیک: karrooznamehi@gmail.com